

زیارت

۹ سال اول / خرداد ۸۸

ماهنامه داخلی شرکت مرکزی
دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران

شمسیا

قال موسی بن جعفر الکاظم (ع):

مَا مِنْ شَيْءٍ تَرَاهُ عَيْنَاكَ إِلَّا وَفِيهِ مَوْعِظَةٌ

چیزی نیست که چشمانت آن را بنگرد مگر آن که در آن پند و اندرز است.

«بحار الانوار/ ج ۷۸/ ص ۳۱۹»

ایک سرگ

قال امیر المومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام):

مِنْ کَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي إِصْلَاحِ الْجُمْهُورِ

از کمال سعادت کوشش برای اصلاح امور مردم است.

«تصنیف غرر الحکم» / ص «۴۸۲»



بسم الله الرحمن الرحيم

زیارت

ماهنامه داخلی شرکت مرکزی
دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران

(شمسا)

مدیر مسئول : ناصر صبا

سر دبیر : محسن بغلانی

زیر نظر : هیئت تحریریه

فهرست :

دباجه

به جای سخن سر دبیر / ۷

کلام امام / ۳۱

شمیم ولایت / ۴۶

حیات طیبه

نسیم وحی پاسخ به سوالات قرآنی / ۵۱

با افلاکیان / ۷۷

آشنایی با سرزمین های اسلامی

شام سرزمین پیامبران (۷) / ۹۷

اماکن زیارتی و سیاحتی عراق (۹) / ۱۱۱

مقاله

فتنه وهابیت (۱) / ۱۲۳

ویژه نامه

گزارش مجمع عمومی عادی سالیانه شمس / ۱۵۱

سفارش های مهم مدیر کل امور زیارتی سوریه

سخنی با مدیران راهنمای عتبات و عالیات

اسوه های تربیتی و اخلاقی در نهضت حسینی

بازتاب عاشورا در فقه سیاسی شیعه / ۲۲۷

آشنایی با شرکت مرکزی میلاد نور / ۲۶۶

اخبار شمس / ۲۸۸

حسینیه

گزارش

اخبار شمس

دفاتر محترم زیارتی سراسر ایران، لطفاً آخرین آدرس خویش را
جهت ارسال مجله زیارت به روابط عمومی شرکت شمس ارسال
فرمایید .

آدرس : میدان توحید، خیابان نصرت غربی، پلاک ۴۸

تلفن : ۶۶۹۰۵۴۲۰

www.shamsa-co.com

www.shamsa-co.org



امام علی (ع) از نگاه دیگران :

پیشوای مذهب شافعی

علی حُبّه جُنّه امام النَّاس وَالْجُنّه وصی

المصطفی حقاً قسیم النَّار وَالْجُنّه دوستی علی

سپر آتش دوزخ است او امام انسان ها و جن است.

او وصی مصطفی و تقسیم کننده بهشت و جهنم است،

زمخشری از دانشمندان و ادبای مشهور و صاحب تألیفات ارزنده

درباره حضرت علی (ع) می گوید: من چه بگویم درباره مردی که فضایل او را دشمنان

از راه کینه جویی و حسادت انکار کردند و دوستانش از ترس و بیم پنهان کردند.

باز از این میان آن قدر فضیلت های وی انتشار یافت که شرق و غرب را فرا گرفت.

جرج جرداق نویسنده و محقق مسیحی :

آیا از فرمانروایی خبرداری که خود نان سیر نخورد، زیرا که در کشور او

کسانی یافت می شدند که با شکم سیر نمی خوایدند و جامه نرم نمی پوشیدند

، زیرا در میان ملت کسانی بودند که لباسی خشن و درشت می پوشیدند و درهمی

را انداخته نساخت و به فرزندان و یاران خود هم وصیت نمود که غیر از این راه

و روشی نیمایند .

بارون کادایفو دانشمند فرانسوی : علی مولود حوادث نبود، بلکه حوادث را او

به وجود آورده بود . اعمال او مخلوق فکر و عاطفه و مخیله خود اوست. پهلوانی

بود در عین دلبری؛ دلسوز و رقیق القلب؛ شهسواری بود که در هنگام رزم آرای

زاهد و از دنیا گذشته بود .

شیلی شمیل از پیشکسوتان مکتب مادیگری :

پیشوا علی بن ابی طالب بزرگ، بزرگان، یگانه نسخه ای است که نه شرق

و نه غرب، نه در گذشته و نه در امروز صورتی مطابق این نسخه ندیده است .

جرجی زیدان، نویسنده مصری مدیر مجله الهلال می گوید:

آیا علی پسر عمومی پیغمبر و جانشین و داماد او نبود ؟ آیا او آن دانشمند

پرهیزکار و دادگر نبود ؟ آیا او آن مرد با اخلاص و غیور نبود که در پرتو مردانگی

و غیرتش اسلام و مسلمانان عزت یافتند ؟

و فردوسی در مدح او می سراید:

اگر چشم داری به دیگر سرای

به نزد نبی و علی گیر جای

هر آن کس که در جانش بغض علی است

ازو زارتر در جهان، زار کیست

یقین دان که خاک پی حیدرم

براین زاده ام هم بر این بگذرم

حسین بنی اسد
مشاور حقوقی شمس

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر

بستود و ثنا گفت و بدو داد همه کار

هر انسانی هر چند بزرگ و دانشمند باشد وقتی در برابر شخصیت ارجمند

علی بن ابی طالب (ع) قرار گیرد. به حیرت و شگفتی دچار می گردد شخصیت

علی (ع) در حقیقت، تابلوی زیبا و ارزشمندی است که بر آن تمام ارزش ها و

آیات کمال و جمال الهی نقش بسته و چشم و دل هر بیننده ای را به خود خیره

می سازد؛ خواه این بیننده مسلمان باشد یا غیر مسلمان . براستی علی (ع) معنای

عدل و قسط و شجاعت و مهربانی و عطف و ایمان و زهد و تقوا و در یک

کلام همه خوبی هاست .

مرور بخشی از نامه آن حضرت به مالک اشتر در زمان حاضر

می تواند راهگشای مردم و مسئولین نظام اسلامی باشد :

((بپرهیز از این که خود را در عظمت با خدا برابر داری یا در کبریا و جبروت

، خود را به او همانند سازی که خدا هر جباری را خوار کند و هر خودکامه ای

را پست و بی مقدار سازد. هر چه خدا بر تو فریضه کرده است ، ادا کن و درباره

خواص خویشاوندان و از افراد رعیت ، هر کس را که دوستش می داری ، انصاف

را رعایت نمای که اگر نه چنین کنی ، ستم کرده ای و هر که بر بندگان خدا

ستم کند ، افزون بر بندگان ، خدا نیز خصم او بود و خدا با هر که خصومت کند

، حجتش را نادرست سازد و همواره با او در جنگ باشد تا از این کار باز ایستد و

توبه کند . هیچ چیز چون ستمکاری ، نعمت خدا را دگرگون نکند و خشم خدا را

برنیزگیزد؛ زیرا خدا دعای ستمديدگان را می شنود و در کمین ستمکاران است .

باید که محبوب ترین کارها در نزد تو ، کارهایی باشد که با میانه روی

سازگارتر بود و با عدالت دمسازتر و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد؛ زیرا

خشم توده های مردم ، خشنودی نزدیکان را زیر پای بسپرد و حال آنکه ، خشم

نزدیکان اگر توده های مردم از تو خشنود باشند ، ناچیز گردد. خواص و نزدیکان

کسانی هستند که به هنگام فراخی و آسایش بر دوش والی باری گراند و

چون حادثه ای پیش آید کمتر از هر کس به یاریش برخیزند و خوش ندارند

که به انصاف درباره آنان قضاوت شود. اینان همه چیز را به اصرار از والی می

طلبند و اگر عطایی یابند، کمتر از همه سیاس می گویند و اگر به آنان ندهند،

دیرتر از دیگران پوزش می پذیرند. در برابر سختی های روزگار، شکیباییشان

بس اندک است. اما ستون دین و انبوهی مسلمانان و ساز و برگ در برابر

دشمنان، عامه مردم هستند، پس، باید توجه تو به آنان بیشتر و میل تو به ایشان

افزون تر باشد.

و باید که دورترین افراد رعیت از تو و دشمن ترین آنان در نزد تو ، کسی

باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است. زیرا در مردم عیب هایی است و

والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیب های مردم آنچه

از نظرت پنهان است، مخواه که آشکار شود؛ زیرا آنچه بر عهده توست، پاکیزه

ساختن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت

پوشیده است، داوری کند. تا توانی عیب های دیگران را بپوشان ، تا خداوند

عیبهای تو را که خواهی از رعیت مستور بماند، بپوشاند و از مردم گره هر

کینه ای را بگشای و از دل بیرون کن و رشته هر عداوت را بگسل و خود را از

آنچه از تو پوشیده داشته اند، به تعافل زن و گفته سخن چین را تصدیق مکن.

زیرا سخن چین، خیانتکار است، هر چند، خود را چون نیکخواهان وانماید.))





- حفظ نظم از واجبات الهی است.
- همه جامعه نظم لازم دارد؛ اگر نظم از کار برداشته بشود، جامعه از بین می رود.
- حکومت اسلام، حکومت قانون است.
- اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند، اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد.
- در اسلام یک چیز حکم می کند و آن قانون است. زمان پیغمبر هم قانون حکم می کرد، پیغمبر مجری بود.
- آن نظامی که پایین از بالا اطاعت نمی کند، بالا به پایین ظلم می کند، این توحیدی نیست، این «نظام شیطانی» است نه «نظام الهی»
- اسلام، حکومت است. حکومت قانون است، یعنی قانون الهی؛ قانون قرآن و سنت است و حکومت، حکومت تابع قانون است.
- انتقاد نکنید، توطئه نکنید؛ من با توطئه مخالفم، همه هم مخالفند، ما با تضعیف جمهوری اسلامی (مخالفیم)؛ تضعیف جمهوری اسلامی یعنی تضعیف اسلام، ما با این مخالفیم.
- قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است، بالاتر از همه معاصی است.
- اگر دیدید کسی از اصول تخطی می کند در برابرش قاطعانه بایستید.
- اختلافات از راه قانون شکنی ها پیش می آید.
- در اسلام، قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی؛ نمی توانست تخلف بکند.
- امروز ضد انقلاب کسی است که آن کاری که مشغول هست، در آن کار سستی کند.
- اگر یک جایی عمل به قانون شد و یک گروهی در خیابان ها بر ضد این عمل بخواهند عرض اندام کنند، این همان معنای دیکتاتوری است که مکرر گفته ام که قدم به قدم پیش می رود... اگر قانون در یک کشوری عمل نشود، کسانی که می خواهند قانون را بشکنند، اینها دیکتاتوری هستند که به صورت اسلامی پیش آمده اند یا به صورت آزادی و امثال این حرف ها. اگر همه این آقایان که ادعای این را می کنند که ما طرفدار قوانین هستیم، اینها با هم بشینند و قانون را باز کنند و تکلیف را از روی قانون همه شان معین کنند و بعد هم ملتزم باشند... دیگر دعوایی پیش نمی آید؛ بیا هو پیش نمی آید صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۴۱۵.



شمیم ولایت



مردم

ما به توفیق الهی، به هدایت الهی، به دستگیری الهی، مردم مؤمنی هستند؛ هم آگاهند، هم مؤمنند، هم حاضر در صحنه‌اند، پا به رکابند در هر جایی که لازم باشد. ماها باید خودمان را اصلاح کنیم. نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همه‌ی نخبگان است، خطاب به یک طرف خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، یک ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمی برد. وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه‌های خناسان بین‌المللی، این سیاستمداران ظالم، مداخله‌گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد.

معیار عدل، عمل به قانون است و اگر قانون ملاک عمل در جامعه قرار گیرد، عدالت تحقق می یابد. دشوارترین بخش اجرای عدالت، آن جایی است که طرف مقابل اقویا و زورگویان متوقع هستند که باید در برابر آنها ایستادگی کرد و فقط خداوند متعال و مَر قانون را در نظر گرفت. آنچه عدالت را تضمین می کند، انسان معتقد جازم عازم باراده خدا ترس است. از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد. «فلا تخشوا الناس و اخشون» را خدای متعال در قرآن می فرماید. اگر این شد، آن وقت با این دستگاه‌های متنوع و امروزی و خوب، می شود به عدالت به طور کامل رسید. سخت‌ترین قسمت عدل هم عبارت است از آنجائی که طرف مقابل عدل، اقویا هستند؛ زیر بار نمی روند، زور می گویند، متوقعند. این جا بایستی ایستادگی کرد. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه‌هایشان، نگاه‌هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تراحم و تعارض و دست به یقه شدن نیست.

ما نباید مردمان را وادار کنیم که با هم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصیحت می کنم: احساسات جوان ها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند. ملت یکپارچه‌ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه‌ای دارد؛ نشانه این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوق‌هاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی آمدند پای صندوق ها. پس این ملت با نظام خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، یک گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد. در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت تر است. این را باید همه توجه کنند.

سرمحی

پاسخ به سؤالات قرآنی

بسم الله الرحمن الرحيم

س ۱: این که فرمودید توده مردم مسائل را به خوبی می‌فهمند، در این رابطه آیاتی مانند «اکثر الناس لا یعلمون» و «اکثر الناس لا یعقلون»، یعنی بیشتر مردم نمی‌دانند و بیشتر مردم نمی‌فهمند را چگونه معنی می‌فرمایید؟

ج ۱: در پاسخ باید عرض کنم که: عبارت دوم یعنی اکثر الناس لا یعقلون اصلاً در قرآن چنین چیزی نیست لکن عبارت «اکثرهم لا یعقلون»، یعنی بیشتر آنان نمی‌فهمند، داریم و لذا فرق است بین اکثر الناس لا یعقلون و اکثرهم لا یعقلون، وقتی ما بگوئیم اکثر الناس لا یعقلون، یک قضاوتی است که چند میلیارد انسان را شامل می‌شود و چنین قضاوتی در قرآن نیست. چگونه بیشتر مردم نمی‌فهمند و حال این که همه مردم تقریباً می‌فهمند؟ اما اگر گفتیم: اکثرهم لا یعقلون، یعنی بیشتر آنان نمی‌فهمند، این ضمیر «هم» بر می‌گردد به آن تعبیر و جمله ماقبلش که غالباً مربوط به کفار است. مثلاً فرض کنید اگر گفته می‌شود آیات الهی این گونه است و خدا مثلاً چنین قدرتی دارد، ولکن، اکثرهم لا یعقلون: بیشتر آنها نمی‌فهمند. این برمی‌گردد به منکرین چون اگر منکرین می‌فهمیدند، منکر نمی‌شدند ولذا بیشتر منکرین آن حقیقتی را که به آنها ارائه شده این را نفهمیدند و الان هم می‌شود گفت: وقتی ما حقیقت را بر یک گروهی عرضه می‌کنیم، می‌بینیم آنها انکار می‌کنند و همان طور که در آیه قبل انکارشان ذکر شده، باید بگوییم که بیشتر آنها نمی‌فهمند و در عین حال انکار می‌کنند. پس علت انکار بیشتر مردم نفهمیدن است.

وقتی شما یک حقیقتی را بر گروهی از مردم عرضه بکنید، اگر قبول کردند معلوم است که می‌فهمند و اگر انکار کردند، این انکار آنها حاکی از این است که بیشتر آنها حقیقت را درک نکردند و یک عده قلیلی هم هستند که حقیقت را درک کرده‌اند لکن از روی عناد قبول نکردند. یک چنین تعبیری در قرآن وجود دارد، اما این، خیلی فرق دارد با این که ما بگوییم اکثر مردم دنیا اصلاً نمی‌فهمند! چه چیزی را نمی‌فهمند؟ این نمی‌فهمند یک چیز مطلق است، مثل اینست که بگوییم اصلاً دارای فهم نیستند و این غلط است.

پس این تعبیر اکثر الناس لا یعقلون، در قرآن نیست، اما اکثر الناس لا یعلمون یعنی بیشتر انسانها نمی‌دانند هست آن هم به طور مطلق که گفته باشد اکثر انسان ها نمی‌دانند، عین هیچ چیز را نمی‌دانند، چنین چیزی نداریم. باز هم قرآن چند آیه را من یادداشت کردم: قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر (سبأ - ۳۶): بگو بتحقیق این خدای من است، که روزی انسان ها را باز می‌کند و بسته می‌کند و این یک حقیقتی است که خدای متعال روزی را برای بعضی گشاده و برای بعضی تنگ می‌کند، بعد دنبالش می‌گوید: ولکن اکثر الناس لا یعلمون: اما بیشتر مردم این حقیقت را نمی‌دانند و حقیقت هم همین است که بیشتر مردم نمی‌دانند که ملاک روزی و سررشته‌ی روزی دست خداست و خداست که روزی را برای انسان ها باز می‌کند و می‌بندد، اما کیفیت آن چگونه است؟

یک تعبیری دارد که حالا نمی‌خواهیم وارد این مقوله بشویم، لکن این حقیقت که سررشته روزی انسان ها به دست خداست و تقدیرات الهی در آن تأثیر دارد، این را بیشتر مردم نمی‌دانند، نه اینکه هیچ چیز را نمی‌دانند. یا آیه دیگری که می‌فرماید: «وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و



ندیزاً» (سبأ - ۲۸) ما ترا نفرستادیم مگر به عنوان بشارت دهنده و انداز کننده برای همه مردم دنیا و بعد دنبالش دارد که: «ولکن اکثرالناس لا یعلمون» (سبأ - ۳۶) ولی اکثر مردم نمی‌دانند این یک حقیقت است که اکثر مردم دنیا نمی‌دانند که خدای تعالی پیغمبر خاتم را برای تبشیر و انداز انسان‌ها فرستاده، پس یک مورد خاصی را می‌گوید: اکثرالناس لا یعلمون و یا یک آیه‌ی دیگر که می‌فرماید: (والله غالب علی امره و لکن اکثرالناس لا یعلمون) (یوسف - ۲۱) خدا بر کار خودش غالب است، یعنی مسلط بر کار خودش هست و بدون تردید اراده‌ی خودش را تحقق می‌بخشد، اما اکثر مردم خبر ندارند که خدای متعال اراده‌ی خودش را تحقق می‌بخشد. پس این طور نیست که ما تصور کنیم قرآن کریم اکثریت انسانها را بطور مطلق گفته باشد نمی‌فهمند، تا اگر ما گفتیم توده مردم مسائل را به خوبی می‌فهمند، یکی بگوید شما چطور می‌گویید به خوبی می‌فهمند و حال این که خدا می‌گوید، نمی‌فهمند؟

چنین چیزی نداریم که خدا گفته باشد نمی‌فهمند، بلکه حقیقت این است که توده مردم حقایق و مسائل را به خوبی می‌فهمند البته هیچ انسانی همه‌ی حقایق را به خودی خود نمی‌فهمند، اما وقتی کسانی باشند که برای مردم تبیین و روشنگری کنند توده انسانها چون غرض ندارند، برخلاف روشنفکران غرب‌زده مسائل را خوب می‌فهمند و حقایق را می‌پذیرند.

الان در کشور خودمان بسیاری از حقایق هست که خیلی از روشنفکران نمی‌فهمند فرضاً امکان ایستادگی در مقابل قدرت‌های مستکبر و مسلط امروز عالم را تحلیل‌گران سیاسی نمی‌فهمند و می‌گویند مگر می‌شود در مقابل آمریکا ایستاد؟ شما اگر به تحلیل‌های تحلیل‌گران سیاسی نگاه کنید هر جا که باشند وقتی محاسبه می‌کنند، می‌گویند دودوتا چهارتاست. آنها پول دارند، فناوری دارند، پیشرفت‌های علمی دارند، مغزهای فعال دارند، قدرت تبلیغاتی دارند، قدرت سیاسی دارند، قدرت لشکرکشی دارند، ببینید با کویت چه کردند؟ با عراق چه کردند؟ و در جاهای دیگر چه کردند؟ چگونه می‌شود در مقابل آمریکا ایستاد؟ به هر حال اگر واقعاً کار دست تحلیل‌گرها و حسابگرهای روشنفکر و متخصصین و کارشناسان باشد همه باید بروند در مقابل آمریکا سر خم کنند و بگویند: هر چه شما می‌فرمایید همان است؛ اما توده مردم می‌گویند چرا نمی‌شود ایستاد؟ یعنی یک احساس روشنی دارند و اگر چه آن احساس علمی و تحلیلی که مخصوص روشنفکران است را ندارند اما احساس روشن ادراکی دارند و می‌گویند چرا نمی‌شود ایستاد، بعد هم در عمل که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم واقعاً می‌شود ایستاد! چون وقتی یک ملتی تصمیم گرفت می‌ایستد.

امروز هم دنیای استکباری در یک تحلیل نهایی، یک روشنفکر متخصصی که احساسات صحیح و دقیق داشته باشد و مسائل را بدون زاویه‌های دید مخصوص دنبال بکند، بالاخره به همین نتیجه می‌رسد و می‌بیند که تمام هم و غم استکبار دنیا این است که عقاید توده‌ها را برگرداند به آن طرفی که خودشان می‌خواهند،

چون اگر عقاید توده‌ها در آن طرفی که آنها می‌خواهند قرار نداشته باشد، واقعاً نمی‌شود با اینها مقابله کرد و لذا با توده‌های مردم چه باید کرد؟ آیا می‌شود آنها را کشت؟ چنین چیزی امکان پذیر نیست. آیا امروز می‌شود حکومت‌های متکی به مردم را تکان داد؟ شما ببینید حکومت‌های اروپای شرقی که غیرمردمی و حکومت‌های حزبی صدرصد و متکی به حزب کمونیست بودند، مکانیزم مخصوص حزب کمونیست یک نفر را بر سر کار می‌آورد، مثل بسیاری از دولت‌های اروپای شرقی که به پشتیبانی دولت شوروی سابق سرکار آمده بودند. هر جا با شوروی سابق مخالفت می‌کردند آنها وارد می‌شدند. در چکسلواکی، در لهستان، در مجارستان و در بلغارستان، شوروی‌ها هر چه می‌خواستند همان می‌شد. یعنی حکومت واقعاً از مردم منقطع بود و هیچ منش مردمی نداشت، لذا با یک اشاره در ظرف چند ماه همه اینها مثل ساختمان‌های مقوایی که آب زیر پایشان بیفتد، همه خم شدند و فرو ریختند.

حکومت کوبا که در قلب آمریکا و زیر گوش آمریکاست با آن همه دشمنی که آمریکا دارد هنوز آن گونه نشده است و با وجود این که آقای بوش و دیگران در مصاحبه‌هایشان حرص و جوش می‌خورند، هنوز سرچایش ایستاده است و من بعضی از اوقات که مجله‌های آمریکایی را مطالعه می‌کنم، می‌بینم مرتب کاریکاتور و طنز درست می‌کنند و این مطلب در آنجا منعکس است.

البته حکومت کوبا مشکلات دارد، اما چون به طور نسبی یک اتکایی به مردم دارد و چون با مردم خودش مبارزه کرد، و به اتفاق مردم سرکار آمده، مردم هم او را به اسم فیدل می‌شناسند و من که از نزدیک با او مفصل صحبت کردم اخلاقاً یک آدم مردمی است و اینکه هنوز نتوانستند با او کاری بکنند، به خاطر این است که متکی به مردم است.

گرچه بر اثر تبلیغات و فشار آوردن روی افکار عمومی و بر اثر فشار اقتصادی ممکن است او را هم از پای درآورند و نهایتاً هم این کار را می‌کنند، اما ببینید چقدر تفاوت دارد؟ این جا افکار عمومی پشت سر دولت هست و آنجاها نبود، لذا مشکل براشان افکار عمومی است، پس اینکه قدرت‌های گردن کلفت، آن جاهایی که افکار و تبلیغاتشان کارگر نشده باشد، نمی‌توانند کاری بکنند یک حقیقتی است که این حقیقت را یک متخصص و یک کارشناس و یک اقتصاددان و یک سیاسی حرفه‌ای نمی‌فهمد، اگر هم بگوییم: می‌گوید ممکن نیست با آمریکا در افتاد. لکن توده مردم این حقیقت بسیاری از حقایق از همین قبیل را می‌فهمند، البته مشروط براین که با توده‌های مردم در میان گذاشته شده باشد.

با افلاکیان

البشر، و من أبی فقد کفر: هشدار، که علی علیه السلام بهترین انسان هاست و هر کس [ولایت او] را نپذیرد [به خدا] کفر ورزیده است.

- (بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۰۶، روایت ۶۶ و ۶۸) تا این که به شرافت مقام شامخ علی علیه السلام تمام میهمانان را از آن دیگ غذا داده بود و هنوز طعام دیگ به آخر نرسیده بود.
- یکی دیگر از شاگردان آقا (آقای تهرانی) این قضیه را نقل می کرد: «آن گونه که به یاد دارم حضرت استاد این قضیه را مکرر به این صورت نقل می فرمودند که مرحوم حاج میرزا حسین نوری(ره)، صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» در سامرا به شخصی فرموده بودند که برای شب پنجشنبه و جمعه صد نفر را دعوت کن، ولی شخص قاصد صد نفر را برای شب پنج شنبه دعوت کرده بود (در حالی که منظور حاجی نوری(ره) این بود که پنجاه نفر برای شب پنج شنبه و پنجاه نفر برای شب جمعه دعوت کند و برای شب پنجشنبه غذای پنجاه نفر را تدارک دیده بود. (وقتی حاجی از جریان باخبر می شود می فرماید: سریعاً آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی (ره) را که در سامراء اقامت داشته است، خبر کنید. مرحوم آخوند به محض اطلاع از قضیه می فرماید: غذا را نکشید تا من بیایم. وقتی تشریف می آورند، می فرماید: یک پارچه آب ندیده بیاورید، پارچه را می آورند و ایشان آن را روی ظرف غذا قرار می دهد و سه بار دست خود را روی پارچه می کشند و در هر بار می فرمایند: «ها علی خیر البشر، من أبی فقد کفر.» و بعد می فرمایند: حالا غذا را بکشید، غذا را می کشند و تمام میهمان ها را غذا می دهند.»

برکت و عظمت ولایت علی(ع)

- حجت الاسلام قدس می گوید: «روزی آقای حجت در ارتباط با ولایت و عظمت آن فرمودند: در نجف یا کاظمین یکی از آقایان قریب ۱۰ یا ۱۵ نفر از اهل علم را برای ناهار دعوت کرده بود ولی فرستاده آقا اشتباهاً طلاب یک مدرسه را که قریب ۶۰-۷۰ نفر بودند، دعوت کرده بود. وقتی میهمانان آمده بودند وی دیده بود گذشته از این که جا برای نشستن آنها کم است غذا نیز خیلی اندک است بی درنگ به ذهنش خطور کرد که آیت الله حاج شیخ فتحعلی کاظمینی را از جریان با خبر سازد.
- وقتی خبر به آقا رسیده بود، فرموده بود: دست به کار نشوند تا من بیایم. تا این که ایشان تشریف می آورد و می فرماید: یک پارچه سفید آب ندیده برایم بیاورید و ظرف برنج را واری کرد و سرپوش را برداشته و آن پارچه را به جای سرپوش می گذارد و می فرماید: حال ظرف ها را به من بدهید، من غذا می ریزم و شما تقسیم کنید و مکرر می فرموده است: «ها علی(ع) خیر

زیارت عارفانه

بسم الله الرحمن الرحيم

زیارت شما قلبی باشد. در موقع ورود اذن دخول بخواهید، اگر حال داشتید به حرم بروید. هنگامی که از حضرت رضا علیه السلام اذن دخول می طلبید و می گوید: «أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ: اِی حجت خدا، آیا وارد شوم؟»

به قلب تان مراجعه کنید و ببینید آیا تحولی در آن به وجود آمده و تغییر یافته است یا نه؟ اگر تغییر حال در شما بود، حضرت علیه السلام به شما اجازه داده است. اذن دخول حضرت سیدالشهد علیه السلام گریه است، اگر اشک آمد امام حسین علیه السلام اذن دخول داده اند و وارد شوید.

اگر حال داشتید، به حرم وارد شوید. اگر هیچ تغییری در دل شما به وجود نیامد و دیدید حالتان مساعد نیست، بهتر است به کار مستحبی دیگری بپردازید. سه روز، روزه بگیرید و غسل کنید و بعد به حرم بروید و دوباره از حضرت اجازه ورود بخواهید.

زیارت امام رضا علیه السلام از زیارت امام حسین علیه السلام بالاتر است، چرا که بسیاری از مسلمانان به زیارت امام حسین علیه السلام می روند. ولی فقط شیعیان اثنی عشری به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام می آیند. بسیاری از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردند و خواستند و جواب شنیدند، در نجف، در کربلا، در مشهد مقدس، کسی مادرش را به کول می گرفت و به حرم می برد. چیزهای عجیبی را می دید.

ملتفت باشید! معتقد باشید! شفا دادن الی ما شاء الله! به تحقیق پیوسته. یکی از معاودین عراقی غدهای داشت و می بایستی مورد عمل جراحی قرار می گرفت. خطرناک بود، از آقا امام رضا(ع) خواست او را شفا بدهد شب حضرت معصومه علیها السلام را در خواب دید که به وی فرمود: «غده خوب می شود. احتیاج به عمل ندارد!» ارتباط خواهر و برادر را ببینید که از برادر خواسته، خواهر

جوابش را داده است.

همه زیارت نامه ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین الله مهم است. قلب شما بخواند. با زبان قلب خود بخوانید. لازم نیست حوائج خود را در محضر امام علیه السلام بشمرید. حضرت علیه السلام می دانند! مبالغه در دعاها نکنید! زیارت قلبی باشد. امام رضا علیه السلام به کسی فرمودند: «از بعضی گریه ها ناراحت هستم!» پس از حادثه بمب گذاری در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام، حضرت به خواب کسی آمدند، سؤال شد. «در آن زمان شما کجا بودید؟ فرمودند: «کربلا بودم.»

این جمله دو معنی دارد: معنی اول این که حضرت رضا علیه السلام آن روز به کربلا رفته بودند. معنی دوم یعنی این حادثه در کربلا هم تکرار شده است. دشمنان به صحن امام حسین علیه السلام ریختند و ضریح را خراب کردند و در آن جا آتش روشن کردند!

کسی وارد حرم حضرت رضا علیه السلام شد، متوجه شد سیدی نورانی در جلوی او مشغول خواندن زیارت نامه می باشد، نزدیک او شد و متوجه شد که ایشان اسامی معصومین -سلام الله علیهم- را یک یک با سلام ذکر می فرمایند. هنگامی که به نام مبارک امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- رسیدند سکوت کردند! آن کس متوجه شد که آن سید بزرگوار خود مولایمان امام زمان -سلام الله علیه و ارواحنا له الفداء- می باشد.

در همین حرم حضرت رضا علیه السلام چه کراماتی مشاهده شده است. کسی در رؤیا دید که به حرم حضرت رضا علیه السلام مشرف شده و متوجه شد که گنبد حرم شکافته شد و حضرت عیسی و حضرت مریم علیهما السلام از آنجا وارد حرم شدند. تختی گذاشتند و آن دو بر آن نشستند و حضرت رضا علیه السلام را زیارت کردند.

روز بعد آن کس در بیداری به حرم مشرف گردید. ناگهان متوجه شد حرم کاملاً خلوت می باشد! حضرت عیسی و حضرت مریم علیهما السلام از گنبد وارد حرم شدند و بر تختی نشستند و حضرت رضا علیه السلام را زیارت کردند. زیارت نامه می خواندند. همین زیارت نامه معمولی را می خواندند! پس از خواندن زیارت نامه از همان بالای گنبد برگشتند. دوباره وضع عادی شد و قیل و قال شروع گردید. حال آیا حضرت رضا علیه السلام وفات کرده است؟

حرف آخر اینکه: «عمل کنیم به هر چه می دانیم. احتیاط کنیم در آنچه خوب نمی دانیم. با عصای احتیاط حرکت کنیم.»





شام سرزمین پیامبران (۷)

سید ابراهیم سید علوی

عبدالله پسر امام سجاد(ع)

او یکی از فرزندان امام چهارم علی بن الحسین(ع) است و علاوه بر فقاقت و فضیلتی که داشته تولیت صدقات رسول الله(ص) و امیرالمومنین علی(ع) را به عهده داشته است. عبدالله، محدث نیز بوده و از رسول خدا به واسطه پدر و دیگر اجدادش حدیث روایت کرده است. عبدالله مردی زیبا و نیکو صورت بوده و لذا به وی عبدالله باهر(یعنی:درخشنده) می گفتند. گویند: او در شام وفات یافت و در باب الصغیر آرامگاه دارد.

عبدالله بن جعفر

عبدالله پسر جعفر طیار فرزند ابوطالب و برادرزاده امیرالمومنین علی(ع) می باشد. او مردی سخاوتمند و دست و دل باز و از صحابه پیامبر و روایت کننده از پدر، مادر و عموی علی(ع) بوده است. مادرش اسماء بنت عمیس است که همراه شوهرش جعفر به حبشه هجرت کرد و همان جا عبدالله را به دنیا آورد. او نخستین مولود عالم اسلام در سرزمین حبشه، هجرتگاه اولین مسلمانان بود. او آخرین کس از بنی هاشم بود که پیامبر را دیده است و از کثرت جود و سخاوتش به وی دریای کرم و بخشش می گفتند. عبدالله که در حبشه به دنیا آمد، بعدها همراه پدرش جعفر به مدینه هجرت کرد. او برادر محمد بن ابی بکر و یحیی بن ابی طالب بوده و هر سه از اسماء بنت عمیس به دنیا آمده اند.

اسماء بنت عمیس

او یکی از زنان با جلال و از جمله بانوان با کرامت صدر اسلام است که از صحابه رسول خدا(ص) محسوب می شود و در ولای اهل بیت و آل علی(ع)، قدمی استوار و اعتقادی راسخ داشت. ابتدا با جعفر بن ابی طالب(ع) عقد ازدواج بست و از هر کدام فرزندان برومند و ثابت قدم در دوستی علی و فرزندان او تربیت کرد.

او قبل از آن که رسول خدا(ص) وارد خانه ارقم شود، به پیامبر آورد و با شوهرش جعفر به حبشه هجرت کرد و در فتح خیبر به سال هفتم هجرت با دو فرزندش به نام عبدالله و عون که در حبشه از جعفر به دنیا آورده بود، به حضور رسول خدا(ص) رسیدند.

او پس از شهادت جعفر، با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر را از او به دنیا آورد و چون در محبت علی بن ابی طالب صادق بود، فرزندش را با مهر او تربیت نمود و محمد از فداییان علی(ع) بود. او پس از در گذشت ابوبکر برای سومین بار شوهر کرد و این بار با علی(ع) عقد ازدواج بست و از او هم یحیی را به دنیا آورد.

گویند: اسماء در شام از دنیا رفته و روی آرامگاهش نوشته شده: «ضریح السیده اسماء زوجة جعفر الطیار(ع)»؛ «این قبر بانو اسماء همسر جعفر طیار است، درود بر او»

ام سلمه

او یکی از همسران و اصحاب پیامبر(ص) می باشد. شوهرش نخست

مردی به نام ابو سلمه بوده که از وی چهار فرزند به دنیا آورده است و توفیق دو هجرت؛ یعنی هجرت به حبشه و هجرت به مدینه پیدا کرده و پس از وفات شوهر اولش، با پیامبر(ص) ازدواج کرده است. ام سلمه، بانویی با جلال و نسب به خاندان نبوت(حضرت فاطمه زهرا و حسنین) اخلاص داشت و مهر می ورزید و از جمله فضایل او آن که آیه تطهیر، که به اتفاق همه مفسران منصف، در شان پنج تن نازل شده، در خانه همین بانوی محترم فرود آمده. فاطمه زهرا(س) به هنگام شهادت، او را وصی خود قرار داد و امام حسین(ع) به هنگام مسافرت به عراق، ودایع امامت را به او سپرد و او پس از واقعه کربلا آنها را به امام چهارم تسلیم کرد. مورخان و سیره نویسان، بزرگی های دیگری در شان او نوشته اند. این بانوی محترم در هشتاد سالگی در مدینه وفات یافته و در بقیع مدفون گشته است. ولی برخی دیگر می نویسند: ام سلمه بین سال های ۵۹ تا ۶۱ هـ. ق. در شهر دمشق در گذشته و در باب الصغیر به خاک سپرده شده و در روی آرامگاهش نوشته شده: «زوجه النبی ام سلمه و وصیه الزهراء»؛ «این جا قبر ام سلمه همسر پیامبر و وصی فاطمه زهراء(س) است.»

ام حبیبه

رمله یا ام حبیبه دختر ابو سفیان بن حرب و همسر رسول خدا است که هفت سال قبل از بعثت به دنیا آمد- او ابتدا با عبیدالله بن جحش ازدواج کرد و هر دو مسلمان شدند و به حبشه هجرت نمودند ولی متأسفانه شوهر او مرتد شد و به نصرانیت درآمد و به میخوارگی روی آورد. نجاشی با تعیین مهریه ای او را به عقد رسول الله درآورد و با عزت به مدینه اعزام گردید. او به سال ۴۴ هجرت در زمان حکومت معاویه پسر ابوسفیان درگذشت.

و برخی وفات او را در سال ۴۲ و قبرش را در دمشق و باب الصغیر می دانند و مقبره ای دارد که مردم به زیارت آن می شتابند.

فضه

او بانویی محترم و در خدمت خاندان عصمت و طهارت و مددکار فاطمه زهرا(س) در امور داخلی خانه بوده است.

فضه پس از وفات فاطمه(س) همچنان در بیت علی(ع) خدمتگزار بود و احیاناً با زینب کبری(س) به سر می برد و گویند او به فرمان علی(ع) ازدواج کرد و دارای فرزند هم شد. از عادات خوب فضه که ابوالقاسم قشیری نقل کرده، آن بود که گویا او حافظ قرآن بوده و بسیاری اوقات سؤال های مردم را حتی در امور عادی، با تلاوت آیه ای پاسخ می داد. نقل شده: حسن و حسین(ع) مریض شده بودند، جذشان به عیادت آنان آمد و مردم نیز همگی به دیدار و احوال پرسی تشرّف یافتند. رسول اکرم(ص) فرمود: برای سلامت اینان نذری کنید. علی(ع) گفت: من به شکرانه سلامت حسن و حسین سه روز روزه می گیرم و حضرت زهرا(ع) گفت: من هم، چنان می کنم، فضه به ایشان ملحق گشت و گفت من هم همراه شما سه روز روزه می گیرم.

گویند: فضه در واقعه کربلا در کنار زینب کبری(س) بوده و با او به شام آمده و پس از وفات زینب کبری(س) همچنان در شام مانده و در همین شهر در گذشته است و در باب الصغیر مدفون است و دارای مقبره ای است که در آن زیارت می شود.

زینبیه

زینبیه شهرکی است در حومه دمشق که امروزه به یمن دفن حضرت زینب(ع) علاقه مندان آل علی(ع) به زیارت آن می شتابند و قبه و بارگاه و صحن و سرایی زیبا و دلگشا برای آن ساخته اند.





زینب کبری (ع)

زینب کبری بانویی با جلالت، عاقل و خردمند، فصیح و سخنور بوده است. او به سال پنجم هجری در مدینه متولد شد. مادرش فاطمه زهرا (س) و پدرش علی مرتضی (ع) و از جمله برادرانش حسن مجتبی و حسین سید الشهداء - علیهم صلوات الله - بوده‌اند. حضرت زینب با پسر عمویش عبدالله بن جعفر طیار ازدواج کرد و از وی دارای فرزندی برومند گردید. زینب کبری بزرگ‌ترین دختر علی و فاطمه (س) بوده و خطبه‌های شیوا و رسا و سخنرانی‌های شجاعانه و جسورانه او، به خصوص در مجلس ابن زیاد و سپس یزید، در اثبات فضیلت و کمال، برای آن بانوی عظیم‌الشان کافی است. نام زینب را رسول خدا بر این نوه‌اش نهاد و لقب مبارکش، عقيله بنی هاشم بوده است و عقيله؛ یعنی بانوی گرمی و عاقل، عزیز و پایبند به اصول اخلاقی و عقلانی.

چنان که یاد آور شدیم، حضرت زینب (س) با پسر عمویش عبدالله بن جعفر بن طیار ازدواج کرد. عبدالله شوهر زینب کبری، مردی بزرگوار، مهربان و کریم و پاکدامن بوده است و پدر او جعفر طیار برادر بزرگ تر علی (ع) از مهاجران نخست و کسی است که سخنگوی مسلمانان در دیار حبشه بوده و ملاقات‌های او با نجاشی در تاریخ موجود است.

جعفر پس از مراجعت از حبشه در غزوه موته در سال هشتم هجرت شهید شد و به سبب قطع شدن دو دست مبارکش، خداوند در بهشت دو بال به او عطا فرمود و جعفر «طیار» لقب یافت. زینب کبری دارای فرزندی به نام‌های عون، محمد، علی و ام‌کلثوم بوده که عون و محمد در کربلا حضور داشتند و به شهادت رسیدند.

مرج عذرا

مرج عذرا، روستایی است در غوطه دمشق که حجر بن عدی در آن جا به شهادت رسیده و قبرش نیز همان جاست.

از جمله مکان‌هایی که زائران سوریه به طور مرتب به آن جاها می‌روند، زیارتگاه حجر در مرج عذرای شام است.

مرحوم قمی می‌نویسد: حجر بن عدی یا حجر خیر، از با فضیلت‌ترین اصحاب پیامبر (ص) و یاران علی (ع) و مردی زاهد و عابد و مستجاب الدعوه بوده، و در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌گزارده است. او مظلومانه به دست معاویه به شهادت رسید. از پیامبر اکرم (ص) روایت است که فرمود: در عذرا انسان‌هایی به قتل می‌رسند

باشید ای خاندان یاسر، مژده باد شما را بهشت» عمار کسی است که در جنگ بدر در حضور پیامبر بود و سخت آزموده شد. رسول اکرم (ص) درباره‌اش فرمود: عمار از سر تا قدم پر از ایمان است. هر کس عمار را دشمن بدارد خداوند او را دشمن دارد و بالاخره فرمود: بهشت مشتاق دیدار سه تن می‌باشد: علی بن ابی طالب (ع)، عمار یاسر و بلال.

عمار از نخستین ایمان آوردگان به اسلام بوده و دارای فضائل بی شماری است.

عمار در واقعه صفین به شهادت رسید و علی (ع) او را با لباس‌های خونینش و بدون غسل به خاک سپرد.

عمار نخستین بنا کننده مسجد در اسلام است، زیرا بنای مسجد قبا در نزدیکی مدینه، به اشاره او و با همکاری مسلمین صورت گرفت و در ساختن مسجد النبی در مدینه نیز او بیشترین تلاش را داشته است. در هنگامه بنای مسجد،

عمار به رسول خدا گفت: یا رسول الله مرا کشتند، بر من خشت بیشتر حمل می‌کنند. ام سلمه همسر پیامبر گفت: دیدم رسول خدا گرد و غبار از سر و صورت عمار زدود و فرمود: «بنام ای پسر سمیه! اینان تو را

نمی‌کشند، تو را گروه یابی و ستمکار می‌کشند.»

اویس قرنی

او از نیکان تابعین است و با این که در عصر حیات رسول الله (ص) می‌زیسته و مشتاق زیارت جمال بی مثال پیامبر خاتم (ع) بوده، اما به جهت کوشش در خدمتگزاری مادر پیر و ناتوانش، نتوانسته است به مدینه آید و به زیارت حضرت رسول (ع) شرفیاب شود. رسول اکرم (ص) درباره اویس، سخنان ستایش آمیز و مطالب جالبی فرموده و شخصیت روحانی او را به مردم شناسانده است، از جمله فرمود:

«من هوای رحمانی از سوی یمن، احساس می‌کنم» و در حدیث دیگر فرمود: «اویس، مردی مستجاب الدعوه و در روز قیامت شافع و مشفع است»

اویس به سال سی و هشت هجرت، در واقعه جنگ صفین به دست شامیان و سپاه معاویه بن ابی سفیان با چهل و اندی زخم به شهادت رسیده است.

که خدا و ساکنان آسمان‌ها بر این عمل خشم کنند. همو می‌نویسد: از زشتکاری‌های معاویه و هوادارانش، یکی آن بود که آنان علی (ع) را روی منبر ناسزا می‌گفتند و حجر با این عمل برخورد جدی می‌کرد تا در زمان حکومت زیاد بر کوفه، او حجر و یارانش را به دستور معاویه دستگیر کرد و به شام اعزام داشت و در در همین عذرا همه آنان را به شهادت رساندند.

حجر بن عدی همان بود که آبادی مرج عذرا را فتح کرد و از قضا همان جا هم به دست معاویه شهید گشت. او همراه برادرش هانی به حضور رسول خدا (ع) رسیدند و در میان اصحاب پیامبر کم سن و سال‌ترین بود و قادیسیه را درک کرد و در روز صفین فرمانده کنده شد و در نهروان میسر سپاه را فرمانده بود و در جمل هم در رکاب علی (ع) حضور داشت.

او از کسانی است که در مرگ ابوذر غفاری به هنگام مرگ او، در ریزه حضور داشته است و جز از علی (ع) روایت نکرده است. وقتی که معاویه دستور داد گردن حجر را بزنند. او مهلت خواست تا دو رکعت نماز گزارد که مهلت دادند. او دو رکعت نمازی سبک به جای آورد و گفت: اگر نمی‌پنداشتید که برای ترس از مرگ و تأخیر آن، نماز را طول داده‌ام، نماز طولانی تر می‌خواندم.

حجر وصیت کرد که آهن از پایم نگشایید و خون از تنم نشوید، چون می‌خواهم در آن سرای راه بر معاویه بگیرم. جلاخان سر او را همراه شش تن دیگر که یکی از آنها پسر حجر بود، بردند. شهیدان عذرای دمشق عبارتند از: حجر و پسر او همام، قبیصه، شریک، محرز و کرام و همه آنان یکجا کشته شدند و در یک گور دفن گشتند.

عمار یاسر

ابو یقظان عمار پسر یاسر از همپیمانان بنی مخزوم و بلادیدگان عالم اسلام. پدر و مادر او زیر شکنجه مشرکین مکه جان سپردند.

ابن هشام می‌نویسد: بنی مخزوم، عمار یاسر و سمیه را که یکجا مسلمان شده بودند، از شهر مکه بیرون می‌بردند و به هنگام شدت گرمای روز، آنان را روی شن‌ها و ماسه‌های گرم شکنجه می‌دادند و گاهی رسول خدا بر ایشان می‌گذشت و می‌فرمود: «صبرا یا آل یاسر ...»: «شکیبا



اماکن زیارتی و سیاحتی عراق (۸)

محمدرضا قمی حله

حله شهری است در میانه عراق، در منطقه ای به نام «الفرات الاوسط» و آن در نیمه راه بغداد-نجف، به فاصله ۸۰ کیلو متر از بغداد، در سمت جنوب شرقی این شهر واقع است.

این شهر کهن، یکی از مراکز مهم و حوزه های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند علامه حلی و محقق حلی از این شهر برخاسته اند و امروزه یکی از استان های شیعه نشین مهم عراق است. مراکز زیارتی و دیدنی شهر حله و حومه آن:

۱. حضرت حمزه، که به «حمزه الغربی» شهرت دارد، وی ابو یعلی حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبید الله بن ابی الفضل العباس است. او از راویان حدیث و علمای بزرگوار شیعه بوده و آرامگاهش در روستای «مزیدیه» در نزدیکی حله می باشد. بر قبر او گنبد و ضریح و رواق و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.
۲. حضرت قاسم: فرزند بزرگوار امام موسی بن جعفر علیه السلام و برادر تنی امام رضا و حضرت معصومه علیهما السلام است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه «سورا» در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات، در آرامگاه کنونی اش مدفون شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و میان مردم به استجابت دعا و نذر مشهور است.

این دو امام زاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امام زادگان در این منطقه هستند و شهرت این دو، به گونه ای است که نام شهر مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافته و در میان مردم به

شهر حمزه و شهر قاسم مشهور شده است.

۳. مشهد رد الشمس، در آغاز بزرگراه کربلا-حله، بقعه ای است با گنبد مخروطی که بنا بر روایات تاریخی، امیر مؤمنان علیه السلام هنگام بازگشت از جنگ صفین در این بقعه نماز ظهر و عصر را پس از آن که آفتاب به اراده پروردگار و خواست حضرت از وضعیت غروب به ظهر بازگشت، بجای آورد. این جایگاه، پیشینه تاریخی کهنی دارد و تمامی مورخان و محدثان در باره آن سخن گفته و آن را یکی از معجزات آن حضرت شمرده اند. حراقه: جایگاه و تپه ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام را در زمان نمرود بر منجنیق نهادند و به آتش افکندند. امروزه فضای باز روبروی تپه به گونه ای است که گویی آثار افروختن آتش عظیم روی زمین نمایان است. این جایگاه در دهکده ای به نام «برس» در شمال حله واقع است.

۴. آرامگاه ابراهیم احمر العینین: وی ابراهیم بن عبد الله المحض بن الحسن المثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام است. او عالم، عابد، زاهد و شجاع بود و در سال ۱۴۵ هـ. ق بر علیه ابو جعفر منصور قیام کرد و به دست لشکریان او، پس از جنگ و خونریزی عظیمی به شهادت رسید و سر او را بردند و به هاشمیه پایتخت منصور (در نزدیکی حله) آوردند. امروزه بر جایگاه سر او در هاشمیه، در نزدیکی رودخانه «الجربوعیه» آرامگاهی ساخته اند.

۵. هاشمیه: و آن شهری است در نزدیکی حله که نخستین پایتخت عباسیان بوده است. در این شهر ابو العباس سفاح و ابو جعفر منصور خلافت کردند و منصور پس از ساختن بغداد بدانجا منتقل شد. ده ها نفر از سادات جلیل القدر بنی الحسن علیه السلام به دست این دو تن در این شهر به شهادت رسیدند. برخی از آنها را از مدینه بدین شهر آورده و زندان نمودند و سپس در گورهای دسته جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستون ها جای دادند و بر آنها ساختمان بنا کردند.

۶. آرامگاه ابراهیم بن عبد الله المضر (در هاشمیه).

۷. قبر ابو الخیر (در دهکده عتاق).

۸. ابو دمیعه: او محمد بن علی بن الحسین فرزند زید بن علی بن الحسین علیهما السلام است که آرامگاهش در «محلّه الطاق» است. وی امامزاده ای والا مقام است و در سال ۱۴۰ هـ. ق در گذشت که قبر او از زیارتگاه های مشهور شهر حله است.

۹. ابو محمد الحسن الاسمر: از نوادگان زید شهید است و آرامگاهش در روستای «زبید» در حومه حله قرار دارد.

۱۰. ابو جعفر محمد الادرع: از نوادگان امام حسن مثنی است و آرامگاهش در روستایی در جنوب حله واقع است.

۱۱. اسماء بنت عمیس: او از زنان پیشتاز در اسلام است که به همراه

در آن بقعه ای از امام زاده ای صحیح النسب نباشد. امروزه قبور این افراد در شهر هاشمیه و پیرامون آن، زیارتگاه مؤمنان است. آرامگاه های علما و فقها در شهر حله:

۱. ابن ادریس حلی: او از بزرگان فقهای امامیه است و از روی کتاب مشهوری به نام «السرائر» بر جای مانده که خود نیز بدین نام شهرت یافته و به «صاحب السرائر» معروف است. ابن ادریس در سال ۵۹۸ هـ. ق در گذشت و آرامگاه با شکوهش اینک درون شهر حله واقع است.

۲. ابن حماد الواسطی: ابن حماد از بزرگان فقهای امامیه است که قبرش در «محلّه الجامعین» حله می باشد.

۳. ابن سعید حلی: او شیخ نجیب الدین یحیی بن احمد حلی، از فقهای بزرگوار امامیه و نویسنده کتاب «جامع الشرائع» است. در سال ۶۸۹ هـ. ق در حله در گذشت و در خانه خود مدفون شد. آرامگاه وی امروزه در «محلّه الطاق» شهر حله قرار دارد و بر قبرش گنبد و سرائی ساخته اند. در پیرامون قبر او، آرامگاه گروهی از بزرگان شیعه نیز قرار دارد. علاوه بر این بزرگان، آرامگاه جمع بسیاری از فقها و علمای دیگر نیز در حله قرار دارد که آرامگاه همگی دارای قبه و صحن و سرا است، همانند:

محقق حلی: نویسنده مشهور کتاب «شرائع الاسلام» (متوفای سال ۶۷۶ هـ. ق و آرامگاهش مشهور است).

ابن العرندس در محلّه جبران.

شیخ احمد بن فهد الاحسائی (متوفای سال های آغازین قرن نهم هجری) و قبر او در «محلّه الطاق» است.

ابن نما حلی که قبرش در «محلّه المهدیه» واقع است.

جمال الدین بن طاووس حلی (متوفای ۶۷۳ هـ. ق) و قبرش در «محلّه الجبائین» است.

خلیفی الموصلی (متوفای سال ۸۵۰ هـ. ق) که قبرش در حله مشهور است. شرف الدین ابن طاووس که آرامگاهش در حله معروف و مشهور است. شیخ ابو الحسن شفهنی حلی (متوفای نیمه قرن نهم) که قبر او در «محلّه المهدیه» حله است.

عبد الکریم ابن طاووس (متوفای ۶۹۳ هـ. ق) قبر او در محلّه «باب النجف» حله قرار دارد.

علی بن طاووس (متوفای ۶۴۴ هـ. ق) قبر او در «محلّه الجامعین» در حله است

شوهر خود جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت نمود و پس از شهادت حضرت جعفر، به همسری ابو بکر در آمد و محمد بن ابی بکر ثمره این ازدواج بود و پس از مرگ او و شهادت حضرت فاطمه علیها السلام همسر امیر المؤمنین شد. آرامگاهی در حومه هاشمیه به او نسبت داده می شود. و در نزدیکی آن قبر فرزندش یحیی که از امیر المؤمنین علی علیه السلام است، قرار دارد. ۱۳. اسماعیل طباطبای: نواده حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام که آرامگاهش در هاشمیه است.

۱۴. حضرت ایوب: این پیامبر عظیم الشان از انبیای بنی اسرائیل است که در سرزمین عراق وفات یافت و آرامگاهش در چهار فرسنگی جنوب شهر حله به سمت کوفه، در منطقه ای به نام «الرارنجیه» قرار دارد.

۱۵. بکر بن علی بن ابی طالب، که در سال ۶۰ هـ. ق در گذشت و آرامگاهش در جنوب شهر حله و در نزدیکی بزرگراه نجف - حله واقع است.

۱۶. جایگاه شهادت زید بن علی، که در سال ۱۲۰ هـ. ق و پیرو قیام فراگیرش علیه خلفای جور به شهادت رسید. دشمنان گور او را شکافته و جسدش را بیرون آوردند و سرش را بریدند و جسد مبارکش را آتش زدند. امروزه در جایگاه دفن نخستین او، آرامگاهی با شکوه ساخته شده و زیارتگاه مردم است. این جایگاه در مشرق شهر کفل می باشد.

۱۷. ابو العباس سفاح: نخستین خلیفه عباسی است. مرگ او در سال ۱۳۶ هـ. ق واقع شده و گور او درون مخروبه ای در شهر قاسم می باشد.

۱۸. عبد الله المحض: نوه امام حسن علیه السلام که در سال ۱۴۵ هـ. ق زنده به گور گردید و آرامگاهش در هاشمیه است.

۱۹. عبد الله بن زید: برادر یحیی بن زید شهید است. آرامگاهش در ۱۷ کیلو متری شمال کفل در حومه هاشمیه است.

۲۰. عمران بن علی بن ابی طالب علیه السلام: بنا به نقل مورخان، او در جنگ نهروان مجروح و هنگام انتقال به کوفه در نزدیکی حله شهید و مدفون گردید. آرامگاهش در یک کیلو متری شمال حله است.

۲۱. عون بن علی: از امام زاده های مدفون در حومه شهر هاشمیه است.

۲۲. القاسم بن موسی الکاظم علیه السلام: آرامگاهش در جنوب شهر حله می باشد.

۲۳. محمد الدیاج و چهار تن دیگر: اینان گروهی از سادات بنی حسن علیه السلام هستند که در بقعه ای در هاشمیه مدفونند. علاوه بر این امام زاده های جلیل القدر، ده ها امام زاده دیگر در گوشه و کنار این منطقه وجود دارند و شاید دهی نیست که





فتنه وهابیت

آشنایی احتمالی با عقاید وهابیت

عباسقلی غفاری فرد

مقدمه: سیداحمد بن زین ابن احمد دحلان المکیوشی شافعی، فقیه و مورخی بود که در مکه معظمه، مقام مفتی و عنوان «شیخ الاسلامی» را در اختیار داشت و آثار علمی متعددی را به رشته تحریر درآورد. سیداحمد در سال ۱۲۳۱ هجری قمری در مکه متولد شد و در محرم سال ۱۳۰۴ درگذشت.

تعدادی از کتب این مؤلف، همچون: «الازهار الزینیه فی شرح متن الالفیه»، «تاریخ الدول الاسلامیه بالجداول المردیه»، «فتح الجوادل منان علی العقیده المسمات بفید الرحمن»، «الدرس السنیه فی الردی علی الوهابیه»، «نهل العطشان علی فتح الرحمن فی تجوید القرآن (خلاصه الکلام فی امراء البلاد الحرام»، «الفتوحات الاسلامیه» و... در سطحی وسیع منتشر و توزیع شده است. مقاله حاضر یکی از آثار این نویسنده فقید است، که در سال ۱۹۷۸ میلادی و به اهتمام حسین حلمی بن سعید استانبولی در شهر استانبول به چاپ رسیده است.

دوران سلطنت سلطان سلیم دوم - ۱۲۰۴، ۱۲۲۲ هـ- بسیار آشفته بود و از جمله تحرکات فتنه آمیزی که در روزگار وی شکل گرفت، توطئه وهابیت بود که در حجاز اتاق افتاد. در پی این رویداد، توطئه گران اداره «حرمین شریفین» را به دست گرفتند و زائران مصری و سوری را از انجام مراسم عبادی حج بازداشتند. در همین ایام، حرکت دیگری در مصر اتفاق افتاد که بر اثر آن، پیروان فرانسس (۱۲۱۳ تا ۱۲۱۶ هـ.ق) این سرزمین را پاره پاره کردند. رویارویی بین مدافعان وهابیت و «غالب ابن مساعد الشریف» حاکم مکه در سال ۱۲۰۴ هـ.ق آغاز شد. پیش از آن، مدافعان فرقه وهابیت در نقاط مختلف پراکنده بودند و در انتظار، محترم با وقار و صلح طلب به نظر می‌رسیدند. اما به مرور زمان، طبیعت شریر و جنایتکارانه خود را آشکار ساخته و با ترور و کشتار گسترده به حکومت خود ادامه دادند.

اینان شمار کثیری از مردان بیگانه را به قتل رسانیده و دارایی و اموال آنها را به غارت بردند و زنانشان را به اسارت گرفتند. بنیانگذار شریعین فرقه «محمد ابن عبد الوهاب» از قبیله «بنوتمیم»

بدین ترتیب، محمدبن عبدالوهاب به اعمال قدرت در میان بادیه نشینان پرداخت تا ارتشی از افراد نا آگاه و مردمی غافل، مهیا سازد. او بیش از هر مسأله دیگر، این تفکر را در ذهن آنها ایجاد کرده بود که در صورت نافرمانی دستوراتش کافر یا مرتد خواهند بود و بر پایه این اعتقاد ریختن خون مسلمانان برای وهابیون مباح گشته بود.

در این راستا، شماری از علماء برجسته از جمله شیخ سلیمان، برادر محمدابن عبدالوهاب و نیز تعدادی از معلمان سابق او، مقالاتی بر ضد اصول وی منتشر ساختند. از سوی دیگر، چندن تن از حکام محلی، اصول وی را تعمیم بخشیدند و محمدبن سعود جد اعلاهی سلسله حاکم فعلی در حجاز، پسر و جانشینش عبدالعزیز محمدبن سعود از جمله حکام محلی‌ای بودند که از محمد ابن عبدالوهاب پشتیبانی می‌کردند و اصول او را گسترش می‌دادند. این حکام برای پشتیبانی از محمد ابن عبدالوهاب و مساعدت وی هرچه در توان داشتند در طبق اخلاص نهادند (شاید ذکر این موضوع خالی از فایده نباشد که خاندان سعود از شاخه خاندان مسلمیه کذاب محسوب می‌شود). همان گونه که آمد، بیشتر معلمان محمدابن عبدالوهاب، گمراهی او و امکان فراهم آمدن پیروانی را برای او، پیش بینی کرده بودند و سرانجام هم پیش گویی‌های آنان حقیقت پیدا کرد. محمدبن عبدالوهاب گمراه شد و گروه انبوهی از مردم غافل را، اغفال کرد. به هر حال، وی مدعی بود که مصلح است و چنین وانمود می‌کرد که هدف خاص او از ایجاد فرقه وهابیت، تجدید عقیده خالص و محکم توحیدی و به دور از شرک است. وی مدعی بود که مردم از طریق عبادت خدای یگانه، منحرف شده‌اند و ششصدسال است که در مسیر جاده کفر و شرک، گام برمی دارند. او همچنین خود را موظف می‌دانست که برای احیاء توحید خالص باید حرکتی را آغاز کند و در پیشبرد این عقیده، به آیات متعدد قرآنی متوسل می‌شد.

آیاتی که وی بیان می‌کرد بر بی‌دینان مصداق دارد، اما او از این آیات بر ضد مؤمنان استفاده می‌کرد، که دو آیه ذیل نمونه ای از آن است:

الف): و چه اشتباه بزرگی می‌کند آن که به غیر خدا دعوت می‌کند (۴۵-۶)

ب): و دعوت نمی‌کند به غیر خدا، به چیزی که نه تو را منفع می‌رساند و نه ضرر (۱۰۶-۱۰)

آیا استمداد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همان شرک است؟

بود که عمری طولانی داشت (۱۲۰۰-۱۱۱۱ هـ.ق) و پاره ای‌ماده تاریخ مرگ او را، عبارت، «اهلاک الخبیث» یافته‌اند (ارزش عددی این عبارت به حروف ابجد، عدد ۱۲۰۰ را نشان می‌دهد).

محمدابن عبدالوهاب در مدینه درس می‌خواند. پدر و برادرش، مردانی عالم و متدین بودند. شواهدی در دست است که براساس آن، پدر و برادر و برخی از اساتید او، پیش بینی کرده بودند که محمد ابن عبد الوهاب از راه راست منحرف خواهد شد و با رهبری خود، مردم را به گمراهی خواهد کشانید. این پیشبینی آنها، براساس مطالعه در رفتار و کردار غیر عادی محمدابن عبدالوهاب انجام گرفته بود، به ویژه که رفتار و کردار او غالباً بر ضد مسائل آگاهی‌بخش مردم و متکی بر سرزنش آنها بود. پیش بینی مذکور در اندک مدتی به حقیقت پیوست، زیرا او انحرافی را آغاز و پی‌ریزی کرد و ترتیبی فراهم آورد تا به وسیله آن، عقیده خود را به مردم انتقال داده و آنها را تشویق کرده تا به راهبران اسلام بی‌اعتنایی کرده و آنها را به ایجاد بدعت متهم سازند.

بر طبق اصول وهابیت، اگر شخصی چیزی را به کسی غیر از خدا اسناد دهد (ولو این که امری باشد که منطقاً مجاز است) یک بدعت گزار، مشرک و مرتد محسوب می‌شد و چنین است در مورد کسی که مساعدت دیگری را در موفقیت خود در رفع یک سلسله مشکلات معین، دخیل بداند. به همین دلیل، زیارت ضریح مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) - یا هر پیامبر دیگر، امام، قدیس یا هر فرد الهی - شرک محسوب می‌گردد. همچنین است شفیح قراردادن آنها برای استمداد از درگاه خداوند. شخص، مجاز به سفر عتبات عالیات نیست و نمی‌تواند از امامان استمداد جوید و نگام توسل به مقدسین، نباید آنها را به زبان فآورد. وهابیون برای مقبول ساختن این مفاهیم، کوشیدند طرح ها و مدل هایی برای اصول خود پدید آورند، اما در هیچ موردی صاحب با وجود این، محمدبن عبدالوهاب برای جلب شماری از پیروانش، تدابیر ویژه ای را اتخاذ کرد. وی با بیان شیوه ای مخصوص و تهیه مقالات متعدد، عقاید خود را ارایه کرده و پرهیزکارترین موحدان را بدعت گزار، مشرک و غیره نامید. او موفق شد شماری از امرا محلی بخش عربستان شرقی را ملازم خود ساخته و در این رهگذر، آنها را تشویق کرد تا در تبلیغ اصول وهابیت او را یاری دهند که این امر با موفقیت مواجه شد و آنها به او مساعدت کردند تا حکومتش تقویت شده و گسترش یابد.



پیامبر) وجود دارد.

به اعتقاد یک مسلمان، تنها خداوند تعالی است که شایسته پرستش است و همه پاداش ها و مکافات مختص اوست. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر شخصیت های الهی عالی قدر، هرگز چیزی خلق نمی کنند و پاداش و جزایی نمی دهند و تنها این خداوند قادر است که بر آفریدگان خود ببخشد و رحمت کند. این مایه شرمساری و اغفال است که بنیانگذار وهابیت و پیروانش، موحدترین اشخاص را به شرک متهم ساخته و آنها را با بت پرستان، یکی می دانند و چگونه می توانند تمام آیاتی را که مناسب بی دینان است، درمورد موحدین به کار برند؟ در این مورد می توان به احادیث ذیل اشاره داشت:

الف): البخاری روایت می کند از عبدالله بن عمر که او روایت کرد از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: «خارج برضد امام(علیه السلام) اقدام خواهند کرد و آیات قرآنی مناسبت کافران را به مؤمنان اسناد خواهند داد.»

ب): عبدالله بن عمر روایت کرد از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: «بیشترین نگرانی من برای امت، هنگامی است که تعدادی از مردم احساس مسوولیت نکنند و آیات قرآنی را تفسیر به رأی نمایند و آنها را بد به کار برند.» که این دو حدیث، وصف الحال فرقه وهابیت است. اگر «**توسل**» التماس به برکات خداوند از طرق پرهیز از گناه و پرهیزکاری از نشانه های شرک باشد، محمد پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) که متعالی ترین موحدان بود، هرگز آن را انجام نمی داد و اخلاف او نیز، به چنین کاری مبادرت نمی کردند. احادیثی وجود دارد که نشان می دهد پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) صراحتاً با توسل به پرهیزکاری، از خداوند طلب رحمت کرده است. ایشان به مناسبتی می گویند: «پروردگارا از تو می خواهم به حق و مقام کسانی که از تو درخواست کمک می کنند...» حدیث دیگری از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که هنگامی که وی جسد فاطمه بنت اسد (مادر حضرت علی(علیه السلام)) را در قبر دید، گفت: «بارخدا یا از تو می خواهم به حق پیامبرت و به حق پیامبرانی که قبل از من بودند، برامدم فاطمه بنت اسد این لحظه را مبارک گردانی و آرامگاه او را برایش راحت سازی، زیرا تو بخشیدهدترینها هستی.» نمونه دیگری از این «**توسل**» آن است که یک بار مرد کوری از پیامبر درخواست کرد تا دعا کند که خداوند بینایی او را بازگرداند. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: «وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان، سپس بگو، ای پیامبر خدا برای اعاده بینایی من، میان من و خدا واسطه باش. آنگاه بگو، بارالها، این شفاعت را بپذیر و حاجت مرا برآورده ساز.» و در پی این فرمایش، مرد نابینا چنین کرد و بیناییش را باز یافت. همچنین بنابر حدیث دیگری، آدم که میوه ممنوعه را خورد، برای طلب عفو با توسل به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

محمد ابن عبدالوهاب مکرر تأکید می کرد که اگر کسی به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و یا دیگر شخصیت های الهی و مقدسین - ولو این که نام آنها را در نمازهایش ذکر کند متوسل گردد، مشرک می شود و از آیات مذکور در فوق بر ضد چنین کسانی استفاده می کرد. وی زیارت ضریح پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) و پیامبران دیگر، مقدسین و اشخاص الهی را، شرک محض و گناهی نابخشودنی می دانست و در تأیید آن به آیه قرآن متوسل می شد که می گوید: «بت پرستان به قول خودشان، بت ها را برای نزدیکی به خدا پرستیدند.»

به استدلال او، مردمی که از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و مقدسین دیگر استمداد می جویند باید با همان بت پرستانی که قرآن ذکر کرده است مقایسه شوند. محمدابن عبدالوهاب همچنین استدلال می کرد که بت پرستان و مشرکان به آفریدگاری بتها باور ندارند و آفرینش را، خاص خدا می دانند. وی بر این قیاس نتیجه گرفت که انگیزه بتپرستی مشرکان، نزدیکی به خدا بوده و بتپرستی را وسیله ای برای این کار قرار داده بودند، درست به همان ترتیب که مسلمانان مشرک از پیامبر یا ائمه (صلوات الله علیهم اجمعین) استمداد می جویند. شاید بتوان به این ادعای بی اساس، چنین پاسخ داد: مؤمن، انبیاء و سایر مردان عالی قدر الهی را به چشم خدا نگاه نمی کند و آنها را شریک خدا نیز نمی داند، بلکه آنان را مخلوق و بنده خدا می پندارد. مؤمن، ایشان را شایسته پرستش نمی انگارد و هرگز آنها را نمی پرستد. به عبارت دیگر، بت پرستانی که در قرآن مجید از آنها یاد شده، براین عقیده بودند که بت ها همان خدایان آنها هستند، جز آن که نمی توانند آفریننده باشند. خلاصه مطلب آن که، یک مؤمن معتقد است پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر مردان الهی، بندگان برگزیده خداوند و شایسته احترام، درحالی که هیچ گاه مورد پرستش قرار نمی گیرند. توسل مؤمن به چنین شخصیت هایی، درنهایت کسب برکات خداوند از طریق شفاعت آنهاست. در تأیید این مطلب، شواهد کافی درقرآن و سنت (رفتار و کردار

به درگاه خداوند دعا کرد. آدم نام پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را در همه جای بهشت دیدهبود. بر روی دیوارها، بریشانی فرشتگان و غیره و درباره آن نام، از خداوند سؤال کرده بود که پاسخ شنید: «آن از اولاد محترم توست، اگر به خاطر این بنده نبود تو را نمی آفریدم.» آدم با شنیدن این سخن، گفت: «پروردگارا به حرمت اولاد پیامبرت، او (آدم) را ببخش.» و خداوند حاجت او را برآورده ساخته و افزود: «ای آدم، اگر تو از محمد آن مخلوق زمینی درخواست می کردی که در حق تمام بهشتیان میانجیگری کند، من شفاعت او را می پذیرفتم.» داستانی از عمر بن خطاب خلیفه دوم نقل شده، مبنی براین که وی زمانی می خواست از خداوند تقاضای نزول باران کند؛ به همین دلیل ازعباس عموی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) درحق شفاعت مسلمانان دراین باره سؤال کرد که این گونه داستانشا بسیار مشهور است. پیروان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به طور معمول به همان روش مرد نابینا- که درحدیث آمده ذکرشد- در استغاثه های خود، یا محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) می گویند. خطاب «یا محمد» نشانه توسل است. می توان با بررسی احادیث منقول، شواهد فراوانی براین حقیقت یافت. مثلاً بلالبن حارث، یک بار درکنار قبر پیامبر ایستاد و خطاب به او گفت: «ای رسول خدا، به درگاه خداوند دعا کن تا برای امت تو باران نازل کند.» در این راستا، مریدان مرده را نیز به همین ترتیب مورد خطاب قرار می دادند و خود پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام حضور بر سر مقابر، چنین می کرد. شیخ محمدبن سلیمان، مؤلف «حواشی شرح ابن حجر» از کسانی که در رد محمدبن عبدالوهاب مطالبی نوشته است(شیخ یکی از والامقام ترین معلمان محمدبن عبدالوهاب بود). وی خطاب به محمد بن عبدالوهاب می نویسد: «ای محمدبن عبدالوهاب، من به تو نصیحت کردم که به خاطر خدا، زیانت را از گفتار برضد مسلمانان نگهداری. تو اگر مسلمانی را بیابی که در ذهن خود، کس دیگری غیر از خدا را کشف کرده، ممکن است راه او را درست بینداری و به او ملحق شوی و اگر به نصیحت تو گوش نکرد، می توانی او را مرتد قلمداد کنی. می خواهم به تو هشدار دهم که حق نداری به انبوه مسلمانان نسبت ارتداد دهی، زیرا خود تو راهی را درپیش گرفته ای که موجب جدایت از صوب صواب مسلمانان شده است.

نیازی به یادآوری نیست که اصطلاح «ارتداد» بیشتر به کسانی منسوب است که خود را از جامعه اصلی امت مسلمانان جدا کرده اند و تو در راهی قدم گذاشته ای که غیر از راه اکثریت مسلمانان واقعی است.

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «هرآن که از راه راست منحرف شود و بر ضد پیامبر برود، از راهی غیر از راه مؤمنان پیروی کرده و او را از همان راهی که برگزیده به جهنم می فرستیم، به راستی که سرنوشت ترسناکی است.» (۱۱۵-۴)

باید گفت که کار چنین مردمی شباهت زیادی به بزه هایی دارند، که از گله دور افتاده اند و سرانجام شکار گرگ خواهند شد.



خلاصه گزارشی از مجمع عادی سالانه شرکت مرکزی خدمات زیارتی سراسر ایران «شمسا»



این واقعیت مجاب شد. اما سود حاصل از دستمزد شمسازهر زائر که مبلغ ۴۰۰۰ تومان می باشد باید بین سهامداران تقسیم شود. ضمناً خسارت هایی که برای پرواز هوایی پرداخت کردیم از محل وجوه زائرین بوده است.

آقای یوسفی بازررس قانونی شرکت نیز ضمن تبریک ایام رجب و یادآوری خاطره زنده یاد مرحوم رئیسی، نکاتی را در ارتباط با عملکرد شمسادر طول سال ۱۳۸۷ بیان نمود. ایشان در ارتباط با صورتحساب مالی گفت: با گزارش حسابرس و بررسی به عمل آمده باید بگویم که صورتهای مالی مورد تایید است. باتوجه به رسالت و مأموریت



و هدف تشکیل شرکت شمساز ابتدای تأسیس شرکت، نوشتن اساسنامه و همه مراحل که منجر به شکل گیری شرکت شده و طی چند سال با همه فراز و نشیبها، الان بحمدالله ثمره درخت را ملاحظه می کنید.



ایشان به بیان دیدگاه شخصی خود پرداخت و با طرح این سؤال که آیا ما یک مؤسسه انتفاعی هستیم و یا عام المنفعه و خیریه؟ گفت: تصورم این است که ما مؤسسه عام المنفعه و خیریه نیستیم. درست است که طرف مقابل ما کسانی هستند که خدمت به آنها مقدس است ولی در عین حال انتفاعی است، اگر این طور نباشد فلسفه وجودی شرکت زیر سؤال می رود. کارگزاران و سهامداران انتظار دارند که از سود منصفانه سالانه بهره مند شوند. دوستان توجه داشته باشند، قرار نیست جز به کارگزاران و اعضای خودمان، به جای دیگر منفعت برسانیم.



در بحث پروازها، چه لزومی

جلسه مجمع عمومی عادی سالانه بر مبنای آگهی شماره ۲۴۴۶۹ مورخ ۲۶/۲/۸۸ صفحه ۱ روزنامه اطلاعات و دعوت نامه شماره ۱۰۴۵۳/۸۸ مورخه ۲۶/۲/۸۸ در ساعت ۹:۳۰ صبح روز ۶/۴/۸۸ و در محل جدید شرکت شمسو با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز و پس از خوشامدگویی توسط آقای ذاکری نایب رئیس هیئت مدیره، با حضور تعداد ۳۰ نفر از سهامداران نمایندگان حقیقی به نمایندگی از شخصیت های حقوقی (شرکت مرکزی کارگزاران زیارتی استانها) با داشتن ۱۱۷۰ سهم از جمع ۱۱۷۴ سهم رسماً کار خود را شروع نمود. در این اجتماع، آقای صبا قائم مقام شرکت به یاد زنده یاد مرحوم محمد نصیر رئیسی اردلی رئیس فقید هیأت مدیره مطالب کوتاهی از اوصاف خوب و خاطرات آموزنده ایشان بیان داشت و ابیاتی را پیرامون خصایل آن مرحوم قرائت نمود.

سپس، آقای ذاکری نایب رئیس هیئت مدیره شمسو با گزارشی کوتاهی از عملکرد شرکت شمسو اظهار داشت: ما اگر نگاه کوتاهی از ابتدای شروع کار در سال ۸۴ تا سال ۸۶ داشته باشیم و سیر عملیات را نگاه کنیم، می بینیم که از لحاظ کمی و کیفی افزایش قابل قبولی را داشتیم. تعداد زائرین تحت پوشش شمسو در سال ۸۵، ۵۳۹/۳۲۸ نفر و در سال ۸۶، ۵۴۸۷۳۵ نفر و در سال ۸۷، ۶۷۱۴۶۴ نفر که رشد قابل قبول و چشمگیری به لحاظ کمی داشتیم.

سؤال مطرح می شود که آیا این افزایش کمی، با افزایش کیفی همراه بود؟ و اگر نبود آیا آسیب شناسی شده است؟ و اگر آسیب شناسی شده است، چقدر موفق بودیم؟ که پاسخ به این سؤالات زمان بیشتری را طلب می کند و بخشی را می توانند دوستان اظهار نظر کنند. یقیناً، رشد کمی، نیروی انسانی بیشتر و کار بیشتر را طلب می کند. در بحث حاشیه ای زیارت، باید باور داشته باشیم که دیکته نانوشته غلط ندارد. من در این جا به بعضی از آسیب ها اشاره می کنم. در بحث اعزام زائر در بخش هوایی مشکلات زیادی وجود دارد. بدی آب وهوا و لغو شدن پروازها، ندادن اجازه از سوی سازمان هوایمایی کشور عراق از جمله مشکلات بزرگ پروازهای هوایی است. در بحث مرزها، ورود زائران آزاد، تمام زمانبندی ها و سیاستگذاری های شمسو را زیر سؤال می برد. در بحث امنیت، خدمات و هتل ها هم همین طور. وقتی می خواهیم در تئیت هتل ها قدم برداریم، گروه های آزاد ضربه می زنند و عملاً در برنامه ها خدشه وارد می کنند.

در درجه بندی هتل ها، با عکس العمل هیئت سیاحه عراق مواجه می شویم و ...

ولی با همه آسیب ها، ادعا داریم که برای خدمت بیشتر به زائرین عتبات مقدسه تلاش شده است.

در بحث سوریه، اکثریت استان های بزرگ حرف برای گفتن دارند. الان شمسو در سوریه حرف اول را می زند و از اعتبار شمسو دارد صحبت می شود. اینها موفقیت هایی بوده که با همکاری شما دوستان به دست آمده است.

در بحث درآمدها نیز به دو بخش تقسیم می شود: بخش اول سود سپرده زائرین است که در سال ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ تقسیم شده و در سال ۸۷ حسب مصوبه هیئت مدیره می بایست در راستای ارائه خدمات به زائرین به کار گرفته شود. مرحوم رئیسی هم که حامی کارگزاران بود، در این جا به



دارد میلیاردها ضرر داشته باشیم؟ پرواز متوقف می‌شود و دوباره از سر گرفته می‌شود و برنامه خوبی انجام نمی‌گیرد و ضرر و زیان دامن کارگزاران را می‌گیرد. هدف پرواز، رفاه حال زائر است لیکن منجر به این شد که کلی شمسای ضرر کند!

نکته بعدیش، فعالیت در سوریه است.

چون سال اول ما بود ضرر فراوان داشتیم. باید دید دلایل این ضرر و زیان چیست و چرا هتل‌ها خالی می‌ماند؟ چرا بعضی از کارگزاران استان‌ها نسبت به انجام تعهدات کوتاهی کردند و جاهای خالی را پر نکردند و انتظار دارند از طریق شمسای پرسود؟ در هر صورت منافعی که باید انتظار داشته باشیم در سوریه حاصل نشد.

به هر حال ما می‌خواهیم با سازمان تعامل و همکاری داشته باشیم نه تقابل.

هر یک از حاضرین، نمایندگان تام‌الاختیار شرکت‌های مرکزی استان‌ها نیز به بیان نظرها و دیدگاه‌های خود پرداختند، از جمله:

۱. اساسنامه شمسای همچون مجوز بند پ، زیر نظر سازمان حج و زیارت است و لذا ملزم به رعایت ضوابط سازمان هستیم.
۲. ورود شمسای در عملیات سوریه، بر اساس تصمیم سازمان حج و زیارت می‌باشد و هدف ساماندهی و نظم دادن به امور زائرین بوده که بحمدالله در حال حاضر شمسای در سوریه حرف اول را می‌زند و باید تقویت شود. لذا حضور در سوریه در میان مدت و دراز مدت به نفع شمساست.

۳. مشکلی که آزادبرها در سوریه دارند، کار مزدی است که برای هر زائر می‌پردازند و آن مبلغ بالایی است (۳۵۰۰ تومان) که با توجه به رقمی که شمسای مشخص کرده (۲۰۰۰ تومان) کم است و زائرین به دفاتر غیر مجاز جذب می‌شوند و لذا شمسای باید خسارت صندلی پرواز و جای خالی هتل‌ها را بپردازد و یا شرکت‌های مرکزی کارگزاران زیارتی استان‌ها.

۴. در بحث کاروان‌های پروازی عراق لغو پروازها، سبب شده که آبروی حج و زیارت و شمسای برود و زائری که هوایی است و زمینی برمی‌گردد، را به نمایندگی‌های استان‌ها بدبین می‌شود.

۵. شرکت شمسای در بحث هتل‌های سوریه، می‌بایست استان‌هایی کوچک را دخیل کند و لذا این طور نباشد که استان‌های بزرگ سود ببرند و استان‌های کوچک ضرر.

۶. در رأی‌گیری مجمع عمومی تجدید نظر شود و این طور نباشد که استان‌های بزرگ به خاطر داشتن سهم زیاد انتخاب شوند و استان‌های کوچک انتخاب نشوند.

۷. برخورد بعضی از همکاران ذی ربط

سازمان حج و زیارت با شرکت‌های مرکزی مناسب نیست و بعضاً بی‌حرمتی می‌شود همچنین در سهمیه استان بوشهر تجدید نظر شود چرا که نسبت به دیگر استان‌ها تناسب ندارد. برای آژانس‌های گردشگری و میراث فرهنگی هم سهمیه عتبات در نظر گرفته شود.



۸. در بحث منطقه بندی سوریه، زیر مجموعه‌های استان تهران همکاری ندارند و ضرر متوجه مسئول منطقه است لذا همکاری با مسئول منطقه از سوی استان‌های زیر مجموعه منطقه مورد انتظار است.

۹. در بحث شمسای اینطور نباشد که خلاصه به اعضای هیئت مدیره شود، ضروری است

همه استان‌ها حضور فعال داشته باشند و کارساز باشند. پیشنهاد شده که هر ۵ تا استان یک نماینده در هیئت مدیره داشته باشند. ۱۰. اگر چه شمسای در امر سوریه وارد شده است، لیکن غیر مجازها فعالیت‌شان در سوریه بیشتر شده است.

۱۱. عضو علی‌البدل در مواقعی که مشکلی برای یکی از اعضا پیش آید (فوت و...) حتماً جایگزین گردد.

۱۲. مبلغ ۲۰۰۰ تومان که در ثبت نام برای حوادث غیر مترقبه گرفته می‌شود به چه حسابی منظور می‌شود و در کجا به هزینه گرفته می‌شود؟ سود عتبات زائر هم به کجا می‌رود؟

۱۳. خسارت‌ها که از استان‌ها به مرکز فرستاده می‌شود در جواب داده می‌شود. در پاسخ به نظرات استان‌ها که بعضاً با سؤال مطرح شده، آقای مهذب مدیر عامل شرکت شمسای اظهار داشت:

«در مورد اعزام زائران به عتبات عالیات باید بگویم که اصل اعزام مربوط به شمسای نیست. طبق تفاهم نامه بین دو کشور ایران و عراق، سازمان حج و زیارت طرف حساب برای اعزام می‌باشد و سازمان هم به خاطر این که همه کارگزاران از قاعده هرم شمسای هستند، عملیات اعزام زائر به عتبات را به شمسای داده است.

در مورد سهمیه به کارگزاران، بعضی از استان‌ها مثل تهران کارگزار در ماه یک سهمیه دارد در حالی که در استان‌های کوچک ۴ تا ۶ سهمیه می‌گیرند.

در مورد سوریه، یادتان باشد ابتدا برای منطقه‌ای کردن نامه نوشتیم و مناطق را اعلام کردیم و خواهش کردیم اگر می‌توانید به میدان بیایید و هنوز هم بعضی از استان‌ها نیامدند. سازمان خواست سوریه را به دست بگیرد از طریق شمسای و راهی جز این نبود که ما خط شکنی کنیم. در نیمه دوم سال ۸۷ هم اختیارات به استان‌ها دادیم و الان با نظارت و محوریت شمسای، امور از طریق شرکت‌های مرکزی استان‌ها انجام می‌گیرد.

در بحث پروازها، از ۲۲ بهمن سال ۸۷ که پرواز شروع شد ۳۱۴ سورتی پرواز به ظرفیت ۷۲۳۵۹ نفر انجام پذیرفت و از طرفی دوازده پرواز به ظرفیت ۲۳۶۰ نفر به دلیل بدی آب و هوا و تعداد ۶۱ پرواز به ظرفیت ۱۷۰۴۰ نفر به دلیل عدم صدور مجوز توسط سازمان هواپیمایی کشوری عراق انجام نشده و زائران آن نتوانستند به صورت هوایی مشرف شوند.

شمسای تا به حال هماهنگی و تعامل خوبی با سازمان حج و زیارت داشته ضمن این که بعضاً به شیوه سازمان هم اشکال داریم و مرتب هم می‌گوییم. در بحث ثبت نام، الان سهمیه‌ها بستگی پیدا کرد به میزان شرکت کنندگان در ثبت نام





سیستان و بلوچستان به عنوان رئیس مجمع ، دو نفر ناظر به نام آقایان : محمد حسن وفایی از استان خراسان شمالی و محمد یوسف بیگ از استان قزوین و یک نفر به نام آقای بهرام طهماسبیان از استان چهارمحال وبختیاری به عنوان منشی ، کار رأی گیری (رأی مخفی کتبی) را انجام و در نتیجه اعضا به شرح ذیل به مدت دو سال انتخاب شدند :

۱. آقای محمد علی متبحری از استان تهران با تعداد ۱۲۷۰ رأی به عنوان عضو اصلی
۲. آقای حمیدرضا ذاکری از استان خراسان رضوی با تعداد ۹۴۲ رأی به عنوان عضو اصلی
۳. آقای عبدالنبی گلابکش از استان خوزستان به تعداد ۷۳۹ رأی به عنوان عضو اصلی
۴. آقای مهدی پریدل از استان مازندران با تعداد ۷۲۴ رأی به عنوان عضو اصلی
۵. آقای ابراهیم توکلی از استان اصفهان با تعداد ۶۷۳ رأی به عنوان عضو اصلی
۶. آقای علی ملکوتی نیا از استان آذربایجان شرقی با تعداد ۵۰۰ رأی به عنوان عضو علی البدل
۷. آقای مسعود دهقان از استان کرمان با تعداد ۴۲۴ رأی به عنوان عضو علی البدل

سپس با رأی مخفی کتبی برای انتخاب بازرس اصلی و علی البدل اقدام و آقای علی یوسفی از استان گیلان با تعداد ۱۱۲۷ رأی به

که اینترنتی شده است. در مورد جایگزینی علی البدل به جای مرحوم رئیسی ، ابتدا شرکت مرکزی کارگزاران زیارتی استان تهران ، اینجانب را معرفی و سپس آقای متبحری معرفی شد و نیازی به ورود علی البدل نبود. بنابراین چون شرکت شمس شرکت سهامی خاص می باشد به این نحو عمل شد و اگر شرکت سهامی عام بود حتماً علی البدل وارد می شد.»

آقای ذاکری نیز در جمع بندی اظهار داشت: وجوه ذخیره برای زائرین هزینه می شود و سود سپرده زائرین به عنوان ذخیره انباشته در وجوه زائرین می رود. تا به حال تصمیمی که گرفته شد به نفع استان های کوچک بود، این که از بندرعباس و زاهدان پرواز انجام می گیرد مؤید این گفته است، در حالی که شرکت هواپیمایی تابان درخواست داشت که از مشهد پرواز انجام بگیرد.

تا به حال هر تصمیمی که گرفته شد ، هیئت مدیره و مدیر عامل از استان های کوچک دفاع می کرد. اگر می دانید که پنج نفر اعضای هیئت مدیره ، نشان از تصمیم گیری کل شمس نمی دهد و نیاز به اعضای بیشتر است ، در مجمع عمومی فوق العاده پنج نفر را به هفت نفر افزایش دهید. در رابطه با سوریه، استان خراسان رضوی را مثال می زنم که یک ریال اجازه نداده از شمس هزینه شود. البته بعضی از استان ها که رقبا زیاد دارند ، برای این که خاکریز را بشکنند، باید همه استان ها به او کمک کنند.

در مورد هتل عمر خیام، به زمان برگردید و مطلب را بگویید. شمس در



عنوان بازرس اصلی شرکت و آقای بهرام طهماسبیان از استان چهارمحال و بختیاری با تعداد ۸۲ رأی به عنوان بازرس علی البدل شرکت انتخاب گردیدند.

لازم به یادآوری است بعد از جلسه مجمع عمومی ، هیئت مدیره جدید تشکیل جلسه داده و از بین خود آقای حمیدرضا ذاکری را به عنوان رئیس و آقای محمدعلی متبحری را به عنوان نایب رئیس انتخاب نمود.

سخنی با مدیران راهنمای عتبات عالیات

شرکت مرکزی خدمات زیارتی بحر زمزم استان اردبیل دراطلاعیه ای خطاب به مدیران محترم راهنما نکات قابل توجهی را متذکر گردیده است که با توجه به اهمیت موضوع توجه عزیزان را به آن جلب می کنیم.

زمانی که وارد سوریه شد، یک هتل پیدا نمی شد و شروع کار را با این هتل انجام داد. ضمن این که پس از پایان مدت یک ساله، قرارداد عمرخیام تمدید نشد. الان طوری شده که به خاطر انجام تعهدات، همه شمس را می شناسند.

به هر حال اگر زمان را در نظر بگیرید، پاسخ را خواهید گرفت . انصافاً تمام تلاش را شمس به کار گرفت تا سود متعلق به خودش را تقسیم کند . من از دوستان می خواهم هرچه در دل دارند بیان نمایند. در جلسه ای که با جناب آقای قهرودی داشتیم انصافاً حمایت می کنند.

در خصوص سهمیه به آژانس های جهانگردی، چنانچه مجوز بند پ داشته باشند به طور طبیعی سازمان حج و زیارت به آن ها سهمیه عمره و عتبات خواهد داد .

بعد از صحبت ها و پرسش و پاسخ، مجمع وارد رأی گیری برای انتخاب اعضای اصلی و علی البدل و بازرس قانونی شد . هیئت رئیسه مجمع با انتخاب آقای محمد علی ابراهیمی از استان



{ قابل توجه مدیران محترم راهنمای عتبات عالیات }

۱. اسکن قرنیه و انگشت نگاری توسط نیروهای آمریکایی از بعضی زائران جوان صورت می‌گیرد که در صورت وقوع گزارش نمایید .
۲. زائران نباید به نیروهای آمریکایی حساس شده و از تجهیزات و ادوات و نفربر آن‌ها عکسبرداری و یا فیلم برداری نمایند.
۳. نیروهای آمریکایی به زائران جوان با محاسن زیاد و چفیه به گردن مشکوک می‌شوند که حساسیت را حتی‌الامکان کاهش داد.
۴. در هنگام انفجار و یا حوادث غیرمترقبه نباید زوار تجمع نموده و یا از محل وقوع حادثه عکسبرداری و یا فیلمبرداری نمایند که به شدت از طرف نیروهای امنیتی عکس العمل نشان داده می‌شود و احتمال بازداشت و غیره وجود دارد.
۵. در رستوران هتل‌ها به علت عدم بکارگیری خانم‌های کارگر در قسمت سرو غذا برای خانم‌ها از آقایان استفاده می‌شود که بعضاً حضور آقایان جوان موجب ناراضی خانم‌های زائر شده و در بعضی مواقع عدم رفتار مناسب کارگران جوان با زائران زن هرگونه برخورد ناشایست، نتیجه به نماینده شمس گزارش گردد.
۶. بعضی از مدیران راهنما ضمن ترک اتوبوس اقدام به کرایه دو دستگاه مینی‌بوس می‌نمایند و خارج از نوبت زائران را به پایانه مرزی منتقل می‌کنند. که اصلاً کار درستی نیست و با آنها برخورد می‌شود و موقع مراجعت هم نباید از نوبت خارج شوند .
۷. مدیران باید توصیه‌های لازم را به زائران بنمایند که مراقب ائاثیه خود باشند که مبدا نیروهای آمریکایی و یا عراقی مدارک، اسناد و ... را در کیف آنها قرار داده و بعداً در ایست بازرسی بعدی از کیف آنها در آورده و مردم ایران را متهم به دخالت در امور عراق کنند.
۸. دست‌فروشی‌ها امکان دارد ادکلن و یا عطر رسمی و یا افراد ناشناس، مواد غذایی بین زائران توزیع نمایند که توصیه می‌شود از دستفروشی‌ها چنین اشیایی خریداری نکنند و از مواد غذایی توزیع شده استفاده ننمایند .
۹. خطر منافقین و عدم ارتباط با آنها و عدم قبول محموله و نامه و CD و ... از خانواده آنها جهت ارسال به عراق و بالعکس
۱۰. توصیه می‌شود به زیارت دسته جمعی مخصوصاً در نجف اشرف به‌ویژه برای خانم‌ها که ضرورت دارد حتی خرید را هم به صورت دسته جمعی انجام دهند.
۱۱. به تاریخ مواد غذایی دقت شود و به فاسد یا سالم بودن آنها توجه گردد.
۱۲. از آب‌چاه‌خانه امیرالمؤمنین (ع) به عنوان آب قابل شرب استفاده نگردد.
۱۳. برای زیارت مکان‌های مقدس ممنوعه مثل وادی السلام و نروند که از امنیت لازم برخوردار نیستند .
۱۴. در بازار و مغازه حین خرید، شئون جمهوری اسلامی حفظ شده و به امور حجاب و پوشش اسلامی دقت کافی گردد.
۱۵. از اعمال خرافی در حین زیارت پرهیز شود و آداب زیارت مراعات و به زائران آموزش داده شود تا از هرگونه حرکات نامناسب و به مغایر شئون اسلامی اجتناب نمایند.

۱۶. هر گونه گاری و موتور برای حمل زائران و سالخورده‌ها به عهده شرکت طرف قرارداد عراقی است .
۱۷. اخیراً جیب و یا کیف چند نفر زائر را با تیغ بریده و محتوای آن را سرقت کرده اند که توصیه لازم صورت گیرد .
۱۸. اگر افراد ناشناسی با عنوان تبلیغ و آمارگیری جمعی ضمن مراجعه به زائرین و یا عوامل سئوالاتی پرسید باید از پاسخ دادن امتناع ورزیده و به نماینده شمس گزارش داده شود.
۱۹. زائران باید مواظب پول و طلا و جواهرات و اشیای قیمتی مانند تلفن همراه و دوربین خود باشند.
۲۰. زائران مواظب و مراقب گوشی‌های همراه خود باشند و در اختیار دیگران نگذارند.
۲۱. با صبر و بردباری در مقابل وقایع و رویدادها و با توکل بر خدا و توسل به اهل بیت (ع) باید به مشکلات فائق آمد.
۲۲. متانت و تحمل در مقابل رفتارهای غیر منتظره زائران خسته و کم حوصله و مریض و عصبی
۲۳. مواظبت و مراقبت از گذرنامه‌ها و مانیفست‌ها و سایر مدارک
۲۴. مشاهده برچسب‌های ساک و چمدان‌های زائران که دارای مشخصات باشند.
۲۵. اختصاص صندلی ردیف اول برای عوامل و ماموران امنیتی در اتوبوس عراقی
۲۶. استفاده مستمر از علامت و یا پرچم مخصوص گروه برای جلوگیری از گم شدن زائران در مسیرها
۲۷. بیان اهمیت استفاده زائران از گردن‌آویز مخصوص حاوی کارت شناسایی و کارت نشانی هتل در نجف اشرف و کربلای معلا
۲۸. تأکید بر این نکته که زیارت‌های دوره ای یکبار و به صورت دسته جمعی صورت می‌گیرد .
۲۹. تنظیم ساعت با ساعت عراق و اجرای برنامه‌ها به وقت آن کشور
۳۰. رها نکردن کلید اتاق‌ها روی میز استقبال هتل و سپردن آن به مسئول مربوطه .
۳۱. توجیه زائران مبنی بر روشن نکردن شمع و کبریت در زمان قطع برق خصوصاً داخل اتاق‌ها (ترجیحاً استفاده از چراغ قوه)
۳۲. توجیه زائران در عدم استفاده از بخاری‌های برقی یا گازی برای خشک کردن لباسها در فصل سرما به دلیل آتش سوزی
۳۳. توصیه به زائران مبنی بر رها نکردن کودکان به تنهایی در هتل
۳۴. به هیچ وجه گذرنامه یا مانیفست و یا کپی آن در اختیار زائران گذاشته نشود.
۳۵. توصیه به زائران در رابطه با ارزش دلار و پول ایرانی و دینار عراقی در حین مراجعت، اخذ گذرنامه‌ها و اصل مانیفست ممه‌ور شده به مهر اداره اقامه بغداد یا کربلا از هتل‌ها و فراموش نکردن این مهر بعد از برگشت مدیر راهنما باید فرم حق‌الزحمه به همراه فرم هزینه ۸۵۰۰۰۰ هشتصد و پنجاه هزار ریالی و هزینه تو راهی را به شرکت مرکزی خدمات زیارتی استان مربوط تحویل نماید .



حسینیه

اسوه‌های تربیتی و اخلاقی در نهضت حسینی

ایرانیان همچون دیگر ملت‌ها دین اسلام را به این دلیل پذیرفتند که دینی آسمانی است و فرامین آن خدایی و پیام آن با پیام فطرت سازگار است. در این مکتب است که ارزش‌هایی نظیر شهادت و جهاد معنا می‌دهد و شهید، قداست و عظمت خاصی می‌یابد و شهادت به کام مجاهد، شیرین‌تر از عسل می‌گردد و به کوشش کنندگان راه حق مژده هدایت داده می‌شود: «الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا» (بقره/ ۱۳۲) و مظاهر این مکتب ارج می‌یابند و شایسته‌ترین خوی‌های آسمانی: ایثار، بیداردلی، ثبات بر طریق حق، فداکاری، مروت، وظیفه‌شناسی تجلی می‌نماید.

نظر به این که در این مقال سخن از اسوه‌های تربیتی و اخلاقی است. نخست تربیت و اخلاق را به اجمال تعریف می‌کنیم، سپس به معرفی مظاهر و نمونه‌های تربیت و اخلاق در نهضت حسینی می‌پردازیم: تربیت عبارت است از پرورش و تقویت استعدادهای مثبت و کاهش استعدادهای منفی و ایجاد هماهنگی لازم بین آنها.

«اخلاق، جایگزین عادت‌های شایسته به جای ناشایسته است. عادت‌هایی که شرع مقدس اسلام جزئیات آن را مشخص کرده است»^۱

۱ - عبدالکریم عثمان، روانشناسی از دیدگاه غزالی، ترجمه و نگارش محمدباقر حجتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۳۳۰

اخلاق بخشی از حکمت عملی است که در حوزه فرهنگ اسلامی عبارت از این است که امور مربوط به خود و خانواده و جامعه و سیاست برنامه‌ریزی شود و چنین اخلاقی را کتاب و سنت می‌سازد و در رفتار بزرگان تبلور پیدا می‌کند.^۲

در زندگی امامان شواهد بسیاری داریم که آنان در عین حال که تعلیم انسان دوستانه را یاد می‌دادند «خود نیز در مقاطع مختلف: در گرمای ظهر و سرمای سخت نیمه شب، دست به عمل زده در هر مقیاس که ممکن بوده است خوراک و وسیله زندگی برای بینوایان حمل می‌کرده‌اند.^۳ و پیروان خود را عملاً تعلیم می‌داده‌اند.

خاندان ولایت و یاران باوفای حسین علیه السلام در قضیه کربلا نیز همان‌طور که در رعایت آداب و دستورات اخلاقی و انجام امور شایسته مظاهر اخلاق بودند و در تدبیر و سیاست و اجرای احکام عبادی و تربیتی نیز بهترین سرمشق به شمار می‌آمدند. آنان به جهانیان آموختند که فرامین قرآنی تنها برای گفتن و نوشتن و شنیدن نیست بلکه برای اجرا و عمل است.^۴ آنان در صحنه پیکار حضور یافتند و با آفریدن حماسه‌ای عظیم تعهد خود را به انجام رسانیدند.

نهضت عاشورا هنگامی آغاز شد که مردم کوفه از ناروایی‌ها، نامردمی

۲ - محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا، ص ۳۳۲

۳ - محمدرضا حکیمی، شرف الدین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰، ص ۱۶۴

۴ - همان، ص ۱۳۶



ها و خودسری های دستگاه بنی امیه به ستوه آمده بودند و حمایت خود را با هزاران نامه اعلام داشتند. امام با این که بی وفایی و سست عنصری مردم عصر خلافت پدر و امامت برادر خود را تجربه کرده بود، اما «وی برای تعلیم امت جدش رسول الله و اتمام حجت و حاکمیت فرمان الهی امر به معروف و نهی از منکر، دعوت آنان را پذیرفت و مسلم بن عقیل را با نامه ای روانه کوفه کرد.»^۱

مسلم سفیر امام حسین علیه السلام

مسلم مؤمنی است که در قبال مولایش برای خود تعهداتی قابل است و ماموریت خود را یک تکلیف شرعی تلقی می کند و آن را با عشق می پذیرد و روانه کوفه می شود. به محض ورود، شیعیان دسته دسته با وی بیعت کردند. مسلم، مسلمانی پرهیزکار و پاکدل بود که به حقیقت برای این نام برازندگی داشت.

آن چنان معتقد بود که رعایت مقررات دین و سیره پیغمبر را از هر چیز مهمتر می شمرد و در دینداری او همین بس که چون پیغمبر ترور ناگهانی را نهی کرده بود، وی بهترین فرصت را برای قتل ابن زیاد از دست داد و از نهان خانه شریک بن عور بیرون نیامد تا حرمت این حکم را زیر پا ننهد باشد و «نخواست که به خاطر سلامت خود و پیروزی در ماموریتی که به عهده داشت حکمی از احکام دین را نقض کند.» وی با این حرکت ثابت بر طریق حق و پایبند بودن به سنت پیغمبر و احکام دین و مردود بودن ترور را به پیروان حسین علیه السلام تعلیم داد.

مسلم پس از مرگ شریک به خانه هانی رفت. هانی مردی سرشناس، محترم و معتقد به حقانیت راه و رسم حسین علیه السلام بود وقتی ابن زیاد از ورود مسلم به خانه هانی آگاهی یافت، هانی را احضار کرد و به او گفت تا مسلم را تسلیم نکنی، رها نخواهی شد. تسلیم کردن مسلم برای شیخی سرشناس و محترم غیرممکن بود. وی هرگز نمی توانست مهمان خود را به دشمن تسلیم کند. «پس از گفتگوهای بسیار... ابن زیاد عصبانی شد و با عصا چهره هانی را زخمی کرد. خبر به قبیله مذحج رسید آنان قصر را محاصره کردند. ابن زیاد بسیار ترسید و به شریح قاضی گفت برو هانی را ببین که زنده است و به مردم بگو. شریح او را خون آلوده دید و برگشت و گفت وی زنده است. با شهادت ناقص قاضی دین به دنیا فروخته فرصتی دیگر از دست هواداران مسلم و هانی رفت.»^۲ هانی یک مؤمن واقعی بود و به هیچ قیمتی حاضر نبود تغییر جهت دهد و ابن زیاد پس از نجات از مهلکه برای دستگیری مسلم نیرو فرستاد.

دلآوری ها و کظم غیظ مسلم

مسلم در خانه «طوعه» بود. وی در چنین شرایطی وظیفه داشت که نخست صاحب خانه را از گزند مهاجمان برهاند، لذا با شمشیر کشیده تاخت و آنان را از خانه «طوعه» بیرون ریخت و پس از دلآوری های زیاد... (با تأمین دادن محمد اشعث) دست از مقاومت برداشت. مسلم را به قصر آوردند... ابن زیاد برای این که احساسات حاضران را بر ضد مسلم برانگیزد گفت: مسلم، مگر تو نبودی که در مدینه شراب خوردی؟ جناب مسلم با خونسردی گفت: پسر زیاد، من شراب بخورم؟! سزاوارتر از من به شراب خواری کسی است که از نوشیدن خون مسلمانان و کشتن بی گناهان و دستگیری و شکنجه آزاد مردان به صرف تهمت و گمان باکی ندارد... وی پس از این که در برابر هر تهمتی و بی شرمی بی پاسخی مستدل می شنود و شکست می خورد همچون جاهلان، سفاکت آغاز می کند...^۳ و دستور قتل وی را می دهد. مسلم در آن لحظه به اجرای سنت وصیت می پردازد و عملاً آن را به پیروان حسین علیه السلام تعلیم می دهد.

وصیتنامه مسلم

وصیت در اسلام امری مستحب و مقبول است و برای وصی پاداش اخروی منظور شده و پذیرفتن وصایت نیز ستوده شده است. مسلم مقید است که این سنت را به جای آورد. وقتی حاضران در مجلس را از تصمیم خود باخبر ساخت. «از میان آن همه نامردم احدی وصیت او را بر عهده نگرفت، مسلم ناچار به انتخاب پرداخت، عمر سعد را مخاطب ساخت و گفت: ما و تو خویشاوندیم بیا وصیت مرا بشنو. وی امتناع کرد اما به اشاره پسر زیاد پذیرفت... مسلم نخست درباره وام خود وصیت کرد و گفت هفتصد درهم در کوفه مقروضم، آنچه دارم بفروش و بپرداز. دوم تن مرا در گوشه ای به خاک بسپار، سوم این که به حسین علیه السلام نامه بنویس که به کوفه نیاید.»^۴

وصی امین است و موظف است آنچه به وی سپرده می شود بی کم و کاست بر طبق وصیت نامه عمل کند؛ اما عمرسعد خیانت کرد همه آنچه شنیده بود با ابن زیاد در میان گذاشت و با این کار دنائت، خباثت و سستی ایمان خود را بیشتر از پیش آشکار کرد.

مسلم پس از این که تعهدات خود را با اعمال و رفتار و گفتار به پایان برد پذیرای شهادت گردید، و به دستور ابن زیاد کشته شد. «ابن زیاد پس از اجرای حکم به قاتل وی گفت: وقتی او را برای کشتن می بردید، چه می گفت؟ پاسخ داد. مسلم در آن هنگام «تکبیر و تسبیح و تهلیل می گفت و استغفار می کرد»^۵

ضمن ایفای نقش، صفات برجسته ای از مسلم به ظهور رسید که هر کدام در جای خود برای پیروان حسین علیه السلام درسی آموزنده

۳- همان، ص ۱۴۶.

۴- همان، ص ۱۴۶.

۵- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۴۷، ۶۴.

۱- همان، ص ۱۴۱-۱۴۰-۱۳۹.

۲-





می باشد از آن جمله است: حفظ حرمت حکمی از احکام دین، حمیت، دلاوری، فرونشاندن خشم، پایداری، وفای به عهد و ذکر حضرت باری تعالی.

بازتاب شهادت مسلم

خبر مرگ مسلم پس از اعلام حمایت اهل کوفه برای امام حسین علیه السلام بسیار گران آمد و اشک بر دیدگانش حلقه زد؛ اما بی درنگ هدف خود را دنبال کرد، جمله ای گفت که نشان داد، مقصود بالاتر از این است: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا» (احزاب ۲۳/ بعضی از مؤمنین به پیمان خودشان با خدا وفا کردند و در راه حق شهید شدند و بعضی دیگر انتظار می کشند که کی نوبت جانبازی آنها برسد ولی مسلم وظیفه خودش را انجام داد. نوبت ما است)^۱

حسین علیه السلام در عصری است که انحراف، ضعف ایمان، فساد و ناامیدی مردم را فراگرفته و شمار وفاداران به امام اندک و پارسایان گوشه گیرند. «وی به عنوان یک رهبر مسؤول می بیند، اگر خاموش بماند، تمام اسلام به صورت یک «دین دولتی» درمی آید... نه می تواند خاموش بنشیند که مسؤولیت جنگیدن با ظلم را دارد... حسین برای این که در اندام مرده این نسل خون تازه حیات و جهاد تزریق کند جز مردن و انتخاب مرگ سرخ خویش سلاحی و چاره ای ندارد و برای جهاد جز «بودن خویش» هیچ ندارد. آن را برمی گیرد و به سمت قتلگاه خویش می آید.»^۲

آری امام در قبال امت و میراث جدش تعهد دارد و نمی تواند کعبه را در تسخیر بنی امیه ببیند و بی عدالتی، پلیدی و قساوت دستگاه جابر را تحمل کند. «در چنین شرایطی (از انجام اعمال حج خودداری می کند) یعنی من اعتراض دارم... وی عدم رضایت خویش را به این وسیله و به این شکل اعلام می کند. یعنی حجتی که گردانده اش یزید باشد برای مسلمین فایده ای ندارد (این که امام کعبه را ترک کند) و بعد بگوید من برای رضای خدا رو به جهاد می کنم... یک دنیا معنا داشت. کار کوچکی نبود، ارزش تبلیغاتی داشت، اسلوب، روش و متد کار در این جا به اوج می رسد. سفری را در پیش می گیرد که همه عقلا... آن را ناموفق پیش بینی می کنند.»^۳

آنان که تنها به مصالح خویش می اندیشند و هر امری را با میزان های مادی می سنجند، سفر حضرت را بدون نتیجه می پنداشتند و به بهانه خیرخواهی و دلسوزی برای انصراف وی از رفتن به عراق تلاش می کردند و نزدیکان نیز به صورت های مختلف اظهار نگرانی می کردند. وعده و وعیدهای حاکم مکه و پیشنهاد امان نامه نیز هیچ گونه تاثیری بر جای نمی گذارد و کار به جایی می رسد که حاکم می نویسد: «از خدا می خواهم از تفرقه افکنی بهره یزی. چه، بیم دارم کشته شوی...»

امام پاسخ می دهد: کسی که به پیروی از دستورات حق و فرستاده

اوست و به نیکی و نیکوکاری مقید است، با خدا و پیغمبر خدا مخالف نیست و بهترین امان هم امان خداست.»^۴

سرانجام امام حرکتی را آغاز می کند که از انگیزه های درونی بسیار توانایی منشا گرفته و با معیارهای مادی قابل محاسبه نیست. «در عین حال حسین علیه السلام نظر دوست داران و خیرخواهان را تصدیق می کند. می گوید: خودم می دانم. ایشان می گویند: پس چرا اهل بیت را با خودت می بری؟ می گوید: آنها را باید ببرم... در واقع امام یک عده مبلغ را بعد از شهادتش با دست و نیروی خود دشمن تا قلب حکومت دشمن (شام) فرستاد این خودش تاکتیکی عجیب و کاری فوق العاده است همه برای این است که صداها بیشتر به جهان آن روز برسد، بیشتر ابعاد تاریخ و ابعاد زمان را بشکافد.»^۵ و فساد و پلیدی و انحرافهای اخلاقی یزیدیان را برملا سازد و چهره کریه آنان را آشکار کند. «آری حرکت حسین علیه السلام از حجاز و رفتنش به سوی عراق جنبش نیرومندی بود که از انگیزه های درونی بسیار توانایی منبعث می شد»^۶

۴ - حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵ - همان، ص ۲۲۸.

۶ - عباس محمود عقاد، ابوالشهداء الامام حسین علیه السلام، ترجمه کاظم معزی، تهران، نشر کتابفروشی علمیه اسلامیة، بی تا، ص ۱۲۸.

۱ - مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا، بی تا، ص ۱۷۸.

۲ - علی شریعتی، شهادت، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۵۰، ص ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۶۰.

۳ - سیدجعفر شهیدی، پس از پنجاه سال، صص ۱۴۹، ۱۵۰.



نویسنده: سیدضیاء مرتضوی

شهادت و مرگ شرافتمندانه

دومین تحلیلی که از اقدام و قیام امام حسین(ع) در عاشورا، در سخن برخی فقهای عظام آمده، توجیه آن در چارچوب کشته شدن شرافتمندانه و همراه با عزت نفس و دوری جستن از مرگ ذلیلانه است. بازتاب عاشورا در فقه از منظر این تحلیل و تفسیر، بیشتر بر اساس موازین جوانمردی و اخلاق والای انسانی و ویژگی های شخصیتی کسی چون سیدالشهدا(ع) است که نقطه مقابل آن در خطاب امام(ع) با عنوان «ذلت» از آن نام برده شده و آن را به کلی از ساحت شخصیت الهی و اسلامی و نبوی و علوی و فاطمی خویش دور دانسته و کشته شدن با عزت را بر مرگ یا حیات با ذلت برگزیده است. این تحلیل بر اساس یک ملاک روشن، در دوران امر میان ترک مخاصمه ای که منجر به کشته شدن ذلیلانه در دست دشمن است یا مظنه آن می رود و ایستادگی و قتال تا کشته شدن شرافتمندانه در میدان جنگ، بهترین گزینه را، انتخاب راه دوم می شمارد، چرا که گزینه دیگری جز همان کشته شدن در اسارت و چنگ دشمن ولی با خواری و بدون سود جستن از امتیازات جنگ و جهاد، وجود نداشت. در واقع در این نگاه، که نخستین بار بگونه ای در سخن علم الهدی سیدمرتضی مطرح شده، امام(ع) چاره ای از پذیرش یکی از دو روش یاد شده را نداشت.

این همان احتمال دومی است که در کلام امین الاسلام طبرسی نیز آمده است و بعدها یک پایه تحلیل فقهی چون محقق ثانی، در کتاب فقهی ارزشمند جامع المقاصد قرار گرفت و به پیروی از ایشان، در سخن صاحب جواهر نیز چنان که خواهد آمد، بازگو شد. آنچه مرحوم سیدمرتضی در بحث کلامی خود، بر اساس مبنای خاص خویش که همانند شیخ مفید و شیخ طوسی، آغاز حرکت را با سرانجام پیش بینی شده حتمی شهادت نمی داند، ارائه کرده، پیش درآمد تحلیل دوم مرحوم طبرسی و تحلیل فقهی محقق ثانی است. سیدمرتضی می نویسد:

«فلما رأى(ع) اقدام القوم و أنّ الدين منبؤذ وراء ظهورهم و علم انه ان دخل تحت حكم ابن زياد تعجل الذلّ و العار، و آل امره من بعد إلى القتل، إلتجأ إلى المحاربة و المدافعة لنفسه، و كان بين احدي الحسينين: أما الظفر به او الشهادة و الميته الكريمة؛ وقتی حضرت(ع)، رفتار آن مردم را دید و ملاحظه کرد که دین را پشت سر انداخته اند و دانست اگر زیر سلطه این زیاد قرار گیرد به سرعت گرفتار خواری و ننگ خواهد شد و در پایان نیز کارش به کشته شدن خواهد انجامید،

به جنگیدن و دفاع از خویش ناچار شد و سرانجامش نیز یکی از دو خوشبختی بود: یا پیروزی و یا شهادت و مرگ کریمانه و با شرافت.» در واقع با رفتار زشت و ناجوانمردانه ای که ابن زیاد در برابر امام(ع) پیش گرفته بود، حضرت چاره ای جز مقاومت و قتال در برابر خود نمی دید و این راهی بود که اگر به پیروزی وی بر دشمن نیز در ظاهر ختم نمی شد، لااقل شهادت و مرگ شرافتمندانه و جوانمردانه را در پی داشت که در مقایسه با راه دیگر، برای شخصیتی چون حسین(ع) بسی راحت تر و پر فایده بود.

بعدها در قرن دهم هجری، محقق نامی، معروف به محقق کرکی، متوفای سال ۹۴۰ هـ. ق در ارزیابی و نقد سخن علامه حلی که پس از این خواهد آمد، تحلیل فقهی تاریخی خود را نزدیک به همان سخن سیدمرتضی بیان داشت و طی آن دیدگاه کلی علامه حلی در بحث «مهادنه» در دو کتاب فقهی وی را نیز مردود شمرد که اساساً «مهادنه» و صلح با دشمن را در هیچ شرایطی واجب ندانسته است. نظر کلی خود ایشان ظاهراً همان نظر علامه در کتاب قواعد الاحکام است که «مهادنه» در صورت داشتن مصلحت برای مسلمانان، جائز است و اگر به آن نیازمند باشند واجب است. سخن علامه در قواعد در تعریف مهادنه چنین است:

«هی المعاهدة علی ترک الحرب مدّة من غیر عوض و هی جائزة مع المصلحة للمسلمین و واجبة مع حاجتهم اليها.» مستند علامه حلی در دو کتاب تذکره الفقهاء و منتهی المطلب در عدم وجود هدنه، چنان که در بخش بعدی ملاحظه خواهید کرد، یکی عمومیت دستور به قتال است که در ادله آمده و دیگری اقدام امام حسین(ع). مفاد پاسخ محقق ثانی این است که اولاً، اطلاق دستور جهاد با توجه به آیه «و لا تلقوا بأيديکم الى التهلكة» قید خورده، بنابراین عموم و اطلاقی در میان نیست.

ثانیاً، صرف حرکت سیدالشهدا(ع) نمی تواند گویای این باشد که مصلحت در صلح و مهادنه بوده یا در ترک آن؛ شاید عدم پذیرش صلح توسط امام(ع) ناشی از این امر بوده که ایشان می دانست دشمن به پیمان صلح پایبند نخواهد ماند و یا شاید انعقاد پیمان صلح موجب تضعیف شدید حق می شد بگونه ای که منشأ گمراهی و اشتباه مردم می گشت و ثالثاً، رفتار و کردار یزید با پدرش معاویه، فرق می کرد. او مردی دریده بود که آشکارا با دین مخالفت می کرد و در این جهت، از هیچ امری فرو گذاری نمی نمود. در چنین شرایطی، اعتقاد امام(ع) به ضرورت جنگ و مقاومت و جهاد، علی رغم این که می داند کشته خواهد شد، امری غیر منطقی و ناموجه نیست.

رابعاً امام(ع) هنگام رویارویی با سپاه دشمن، عملاً در موقعیتی قرار گرفته بود. که امکان مهادنه و مصالحه از وی سلب شده بود. و رویه و رفتاری که ابن زیاد علیه اللعنه، در پیش گرفته بود، چه بسا با کوتاه آمدن امام(ع)، ایشان و اصحابشان را گرفتار سرنوشتی به مراتب بدتر از قتل می ساخت. متن سخن این فقیه عالی مقام در پاسخ به گفته علامه حلی که

مفاد آن را طی چهار نکته بالا بازگو کردیم چنین است: «و جوابه ظاهر، فان الامر بالقتال مقید بمقتضی «ولا تلقوا بأيديكم الى التهلكة» و اما فعل الحسين صلوات الله عليه، فانه لانعلم منه ان المصلحة كانت في المهادنة و تركها، و لعله (ع) علم انه لو هادن يزيد عليه اللعنة لم يف له، او ان امر الحق يضعف كثيراً بحيث يلتبس على الناس، مع ان يزيد لعنه الله كان متهتکاً في فعله، معلناً بمخالفة الدين، غير مDAHن کاییه لعنه الله علیهما، و من هذا شأنه لا یمتنع ان یری امام الحق و جوب جهاده و ان علم انه یمتشد، علی انه علیه السلام فی الوقت الذی تصدّی للحرب فیه، لم یبق له طریق الی المهادنة فان ابن زیاد لعنه الله کان غلیظاً فی امرهم علیهم السلام فریما فعل بهم ما هو فوق القتل اضعافاً مضاعفة.»

در کلام این محقق فرزانه، هر چند برخی نکات در ابهام مانده و یا به اجمال برگزار شده است و این به خاطر صبغه فقهی بحث است، اما توجه به نکات یاد

شده نشان می دهد که ایشان بر محورهای مهمی در تحلیل اقدام امام (ع) و چگونگی بازتاب آن در فقه، انگشت گذاشته است، چرا که نکات یاد شده، مسایل عمده ای است که در تحلیل جامع و ارزیابی صحیح رخداد عاشورا نمی توان نادیده گرفت.

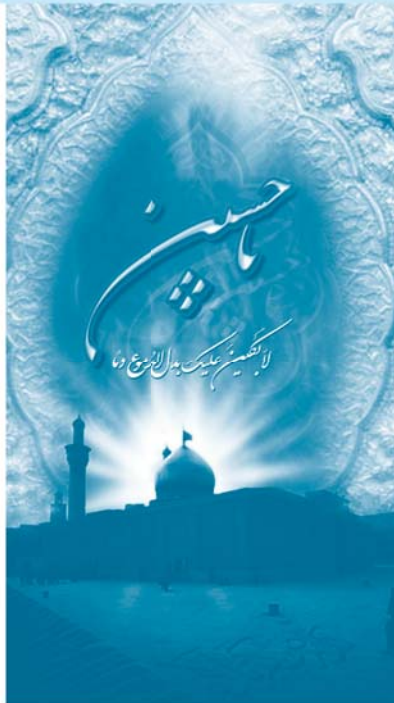
پاسخ محقق کرکی در خصوص استناد علامه به فعل و سیره امام حسین (ع) به دو نکته اساسی باز می گردد:

الف. احراز این امر که در این جریان، صلح نیز دارای مصلحت بوده ممکن نیست، چرا که شاید هیچ مصلحتی در بر نداشته است. و سخن علامه در صورتی صحیح است که صلح و جنگ، هر دو در این واقعه دارای مصلحت بوده اند.

ب. آگاهی امام (ع) به شهادت خود و یاران، مانع لزوم جهاد در شرایط خاص نیست.

اما سخن پایانی محقق ثانی که پذیرش جنگ و شهادت توسط امام (ع) به خاطر این بود که ایشان در راهی بی بازگشت قرار گرفته بود و بازگشت و صلح چه بسا سرانجامی بس ناگوارتر را برای امام (ع) رقم می زد، ادعایی است که هم از نظر فقهی و هم از بعد تاریخی جای بسی تأمل و توقف دارد. مدعای تحلیل یاد شده این است که امام (ع) اگر پیشتر نیز امکان مصالحه را داشت اما با توجه به شرایطی که در کوفه پیش آمده بود، راهی جز این نداشت و حداقل از آن زمان به بعد، مصالحه و مهادنه، موضوعاً منتفی بود و امام (ع) نیز در تراحم میان اهم و مهم، راه کم خطرتر و پرفایده تر را انتخاب کرد.

هر چند این مدعا اختصاص به محقق کرکی ندارد و دیگرانی نیز پیش و پس از وی عدم مصالحه امام (ع) و تن دادن به شهادت را بر همین وزن



تحلیل کرده اند. از جمله مؤید این سخن گفته ای است که علامه حلی در بحث حکم فرار از جبهه جنگ به صورت کلی و بدون پرداختن به قضیه عاشورا بیان کرده است و در شرح دیدگاه خود وی خواهد آمد.

در تاریخ عاشورا نیز می توان برخی شواهد را بر آن یافت؛ شواهدی که نشان می دهد امام (ع) آمادگی برای بازگشت را داشت و حتی آن را مطرح ساخت ولی چنین امکانی برای حضرت وجود نداشت، لکن با این همه نمی توان با همین اندک دلیل، این سخن را پذیرفت به ویژه که سازگار ساختن آن با علم پیشین امام (ع) به فرجام قیام و شهادت از آغاز حرکت، دشوار است ولی چنان که پیشتر در ارزیابی دیدگاه مرحوم طبرسی اشاره شد، این تحلیل، این نکته و ملاک کلی را در خود دارد که در چنین شرایطی، انسان می تواند

علی رغم قطع به کشته شدن، ایستادگی کند و مصالحه نکند تا مبادا به سرنوشتی ناگوارتر دچار بشود، این امر با قواعد و ضوابط کلی فقهی نیز سازگار است و به هر حال اگر فعل امام (ع) را بر این میزان تحلیل کنیم، اقدام حضرت کاری خارج از ضوابط و معیارهای موجود نخواهد بود و قهراً قابل تأسی می باشد.

تخیر و عدم الزام شرعی (شوق به شهادت)

بر اساس بررسی نویسنده، علامه حلی متوفای ۷۲۶ه.ق را باید نخستین فقهی شمرد که به حرکت سیدالشهدا (ع) در برابر دیگر ادله استناد جسته و آن را دلیلی بر دیدگاه کلی خود در بحث «هدنه» شمرده است. کسانی چون سیدمرتضی و امین الاسلام طبرسی که پیش از وی به تحلیل قیام حضرت پرداخته اند، در مقام توجیه آن برآمده اند تا با ظواهر برخی ادله دیگر سازگار شود. البته چنان که ملاحظه فرمودید تا این مقدار را از آن بهره جسته اند که در دوران بین قتل شرافتمندانه و ذیلانده، به دلیل رفتار امام (ع)، باید یا می توان مصالحه نکرد تا کریمانه شهید شد. ولی آن گونه که علامه حلی استدلال کرده، در سخن فقهی پیش از وی و پس از وی وجود ندارد، بنابراین باید وی را آغازگر استدلال به سیره سیاسی سیدالشهدا (ع) در قیام کربلا شمرد، آن هم مبنایی که مایه شگفتی است و توسط فقهایی بعدی به نقد کشیده شده است ولی به هر حال، دیدگاه وی در استدلال به فعل امام (ع) را می توان نخستین بازتاب مستقیم و مؤثر عاشورا در فقه سیاسی شیعه شمرد. این دیدگاه را هر چند در کتاب ارزشمند فتوایی خویش یعنی قواعد الاحکام نپذیرفته و همان گونه که در بخش پیش اشاره شد، هدنه را در شرایطی واجب و در شرایطی جایز شمرده است اما در دو کتاب استدلالی مهم خود، یعنی نخست در



«منتهی المطلب» و سپس در «تذکره الفقهاء» مطرح ساخته است. علامه حلی در این دو کتاب معتقد است، پیشنهاد یا پذیرش پیمان مهادنه و مصالحه با دشمن، با توجه به ادله موجود، امری جایز است نه لازم و فرقی نمی کند که مسلمانان قوی باشند یا ناتوان. بلکه مسلمان و طبعاً امام در هر شرایطی کاملاً اختیار دارد که اقدام به صلح کند و یا بجنگد تا به شهادت برسد. ایشان اقدام حضرت سیدالشهدا(ع) در عدم مصالحه تا شهادت را انتخاب راه دوم از سوی ایشان می داند. بدین معنا که سیدالشهدا(ع) شرعاً می توانست راه مصالحه را در پیش گیرد و همانند برادرش امام حسن مجتبی(ع) تن به صلح بدهد و هیچ الزام و تکلیف متعینی برای اقدامی که به شهادت وی و یارانش ختم شد، نداشت و این، تنها و تنها انتخاب خود حضرت بود که از میان دو امر مجاز و دو سوی یک راه، راه شهادت را برگزید و حاضر به مصالحه نشد.

روشن است سخن این فقیه بزرگ، ناظر به شرایطی که موجب حرمت هدنه و پیمان مصالحه و آتش بس و وجوب جنگ است نمی باشد، فقط ناظر به وجوب و عدم وجوب مهادنه است که ایشان در هیچ شرایطی آن را واجب نمی داند، بنابراین امام حسین(ع) به مقتضای ظواهر ادله ای چون «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» ملزم به پذیرش صلح و نجات خویش نبوده است تا نیازی به توجیه اقدام حضرت به گونه ای که مثلاً در سخن سیدمرتضی یا طبرسی یا محقق ثانی آمد وجود داشته باشد.

علامه حلی، همین تحلیل فقهی را درباره گروه اعزامی ده نفره ای که پیامبر اکرم(ص) به سوی قبیله هذیل گسیل داشت نیز جاری می داند. این گروه که حداکثر ده نفر بودند در برابر هجوم و شیخون یکصد نفر ایستادگی کردند تا همگی به شهادت رسیدند، جز یک نفر به نام خُبیب بن عدی که به اسارت درآمد و توسط افراد هذیل در برابر استرداد یکی از افراد قبیله شان که در دست مشرکان مکه گرفتار بود، به آنان تحویل داده شد و او نیز همان گونه که در تاریخ آمده و در سخن علامه اشاره شده، در مکه به شهادت رسید. البته چنان که در برخی کتاب های تاریخی منعکس شده، شخص دیگری نیز همین سرنوشت را پیدا کرد که در سخن ایشان نیامده و فقهای دیگر نیز به پیروی از وی، از آن نامی نبرده اند.

متن سخن علامه که مفاد آن باز گو شد آن گونه که در منتهی المطلب آمده چنین است:

«و الهدنة ليست واجبة علی کل تقدیر سواء کان بالمسلمین قوّة او ضعف لكنها جائزة، لقوله تعالى: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها» و للآیات المتقدمة بل المسلم يتخير فی فعل ذلک برخصة ما تقدّم و بقوله تعالى «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» و ان شاء قاتل حتی یلقى الله شهیداً بقوله تعالى: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم» و بقوله تعالى: «یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظة» و کذلک فعل سیدنا الحسین(ع) و النفر الذین وجههم النبی(ص) الی هذیل و کانوا عشرة فقاتلوا مائة حتی قتلوا و لم یفلت منهم احد الا خُبیب، فانه

أُسِر و قتل بمکة.» ایشان همین بیان را با کمی اختصار در کتاب دیگر خویش آورده است.

ایشان نزدیک به همین مینا را به صورت کلی و بدون پرداختن به اقدام امام حسین(ع) در بحث حکم فرار از میدان نبرد نیز بیان فرموده است. وی در این فرض که اگر رزمنده ای در میدان جنگ در شرایطی قرار گیرد که گمان برد اگر بایستد و مقاومت کند، اسیر دست دشمن خواهد شد، آیا می تواند صحنه را ترک کند یا نه؟ می گوید بهتر است چنین شخصی بجنگد تا کشته شود و خودش را تسلیم اسارت در دست دشمن نکند تا کفار او را با به خدمت گرفتن و بردگی شکنجه نکنند.

چنان که اگر مسلمانان گمان برند که اگر ایستادگی کنند، شکست خورده و کشته می شوند، برخی گفته اند به دلیل «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» واجب است صحنه را ترک کنند و برخی نیز میان ضربه زدن به دشمن و کشته شدن خود و ضربه زدن و در عین حال کشته شدن تفصیل قائل شده اند:

«و لو غلب علی ظنّه الاسر، فالاولی ان یقاتل حتی یقتل، و لا یسلم نفسه للاسر، لئلا یعذبه الکفار بالاستخدام... و لو غلب علی ظن المسلمین العطب، قیل: یجب الانصراف، لقوله تعالى: «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» و قیل: لا یجب، تحصیلاً للشهادة، و قیل: ان کان فی الثبات الهلاک المحض من غیر نکایة فیهم، لزم الفرار و ان کان فی الثبات نکایة فیهم، فوجهان.»

بنابراین در نگاه این فقیه پرآوازه، قیام سیدالشهدا(ع) و ایستادگی تا مرز شهادت، هر چند یک اقدام کاملاً انتخابی است اما حضرت هیچ الزامی برای گزینش آن نداشته است و می توانست به شیوه برادرش امام حسن(ع) راه صلح را بپیماید ولی خواست قلبی حضرت این بود که با قتال در برابر دشمن به شهادت و ملاقات خدای تبارک و تعالی برسد و این خواست نیز منطبق بر موازین و ضوابط کلی شرعی و همراه با مصلحت بوده است. و همین اقدام، خود سندی بر تخییر مسلمان در پذیرش هدنه و صلح و عدم پذیرش آن است؛ عدم پذیرشی که حتی منجر به کشته شدن وی و غلبه ظاهری دشمن گردد. او با دستیابی به شهادت و فوز ملاقات با خداوند، پیروز واقعی میدان است. این دیدگاه هر چند زمینه پیگیری اصل استناد به قیام عاشورا و شهادت امام(ع) در فقه سیاسی توسط برخی فقیهان پس از علامه را فراهم ساخت، اما نمی توانست مورد پذیرش همه آنان قرار گیرد بویژه که با استناد به سیره سیدالشهدا(ع)، موضوع وجوب هدنه، اساساً منتفی شمرده شده است ولی با این حال می توان فقیه برجسته، زین الدین بن علی عاملی، معروف به شهید ثانی که در سال ۹۶۶ ظ به شهادت رسید را، موافق دیدگاه علامه شمرده.



ویژه نامه زینب کبری

« یک قلب و دو محبت، هرگز... »

زینب کبری، (محدث، متوفی قرن ۱ هـ.ق) دختر امیر المؤمنین علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام فضیلت های بانو زینب علیها السلام مشهور تر از آن است که نیازی به ذکر آن باشد. نام مبارکش به وسیله جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه شد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حاضران و غایبان را وصیت می کنم که حرمت این دختر را پاس دارید، که او مانند خدیجه کبری علیها السلام است. تمام فصحا و بلغا به فصاحت و بلاغت این بانو اعتراف دارند. هرگاه لب به سخن می گشود گویا علی علیه السلام سخن می گفت. امام سجاد علیه السلام به ایشان می فرمود: یا عمه انت بحمد الله عالمه غیر معلمه فهمه غیر مفهمه. محبت و علاقه زینب نسبت به برادر عزیزش امام حسین علیه السلام، چنان بود که روزی را بدون دیدار آن حضرت سر نمی کرد. در ایمان و فداکاری در راه دین و جهاد چنان شوقی داشت که با تمام وجود در کنار امام و پیشوایش بود و پسرانش را در راه دین اهدا نمود. در عبادت، زهد، تقوا، جود و سخاوت سر آمد زنان زمان خویش بود. از مال و زینت و آسایش منزل همسرش چشم پوشید و برای انجام وظیفه، به همراه برادر رهسپار شد. سخنان زینب علیها السلام پس از شهادت سالار شهیدان و خطبه های آن حضرت در بازار کوفه و در پیش ابن زیاد و دربار یزید، چنان قوی و تکان دهنده بود که همگان را به حیرت واداشت و مسلمانان را از خواب غفلت بیداری کرد. وی رسالت خویش را که زنده کردن دین جدش بود، به نیکی انجام داد.

حضرت زینب علیها السلام در خضوع، خشوع، عبادت و بندگی، وارث مادر گرامی و پدر بزرگوارش بود. اکثر شب ها را به تهجد صبح می کرد و دائماً قرآن تلاوت می فرمود. حتی شب یازدهم محرم با آن همه فرسودگی و خستگی و دیدن مصیبت ها، به عبادت مشغول شد، چنان که حضرت سجاد علیه السلام می فرماید: در آن شب دیدم عمه ام در جامه نماز، نشسته مشغول عبادت است.

ابن اثیر نیز نام زینب علیها السلام را در زمره اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله ذکر کرده، می نویسد: «کانت زینب امرأة عاقلة لبیبة جزلة». آیت الله خویی می فرماید: زینب شریک و همراه برادرش حسین علیه السلام در دفاع از اسلام و جهاد در راه خدا و دفاع از دین (شریعت) جدش، سید المرسلین صلی الله علیه و آله بود. در فصاحت چنان بود که گویا از زبان پدرش سخن می گوید. در ثبات و پایداری چون پدرش بود. نزد ظالمان و جائران خضوع نمی کرد و از کسی جز خدای سبحان نمی ترسید. حق می گفت و راستگو بود.

علامه مامقانی او را از نساء حدیث بر شمرده و می نویسد: زینب! کیست زینب؟ تو چه دانی که کیست زینب؟ او بانوی بنی هاشم است که در صفات ستوده برترین است و کسی جز مادرش بر او افتخار و تفخر ندارد. در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمد. کنیه اش، ام کلثوم، ام عبد الله و ام الحسن است. برای او کنیه های مخصوصی مانند: ام المصائب، ام الرزایا، ام النوائب و... ذکر کرده اند. پدر گرامی اش او را به ازدواج برادرزاده خویش عبد الله بن جعفر در آورد که علی، عون، اکبر، عباس، محمد و ام کلثوم ثمره این پیوند مبارک اند.^۱ از آن جا که فطرت هر انسان آگاه و بیدار دل، همواره او را به کمال طلبی و تکامل رهنمون می گرداند و همچنین به روشنی می دانیم که کسب همه کمالات و زیبایی ها، در سایه تقرب به ذات الهی و آن کمال مطلق است؛ اولین گام در جهت تقرب به خدا، کسب معرفت و شناخت آن ذات زیبای کامل می باشد و کسی که پس از چهارده معصوم به این مقام شامخ معرفت الهی دست یافته است، حضرت زینب کبری می باشد مراتب و درجات معرفت ایشان قابل وصف نیست ولی برحسب اشاره، چند مورد از اظهار مراتب معرفتش را ذکر می کنیم. حضرت زینب (علیه السلام) حتی در زمان کودکی و سنین پایین، دارای معرفتی والا و عالی بودند، روزی از پدر خویش، حضرت علی (علیه السلام) سؤال کردند، آیا مرا دوست داری؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: آری، آنگاه آن حضرت در جواب پدر فرمود: دو محبت - محبت خدا و محبت فرزندان - در قلب مؤمن نمی گنجد. پس سر و اساس این دوستی و محبت به این دلیل است که محبت خالص و واقعی از آن خدا و شفقت و دلسوزی از آن فرزندان می باشد و این علاقه و محبت به خاطر خدا می باشد. امیرالمومنین (علیه السلام) نیز در پاسخ، ایشان را تأیید کرده و ستودند.^۲ این میزان از معرفت آن هم در دوران طفولیت نشان از یک شناخت عمیق باطنی در وجود زینب کبری دارد و یا در روز عاشورا، وقتی دست طفل خویش را گرفته و خدمت حضرت سید الشهدا آورد و از آن حضرت استدعا کرد تا آن را قبول کند، فرمود: اگر چنانچه جهاد و قتال بر زنان وارد شده بود، هر آینه هزار هزار جان نثار جانان می نمودم. چه معرفتی است که او را و می دارد تا فرزند خردسال خویش را با دست خود در راه خدا قربانی کند و به خوبی روشن است که آنچه او را الگوی همیشگی صبر و ایثار معرفی نموده است، معرفت و شناخت والای او به خدای متعال و حجت اوست. امید است که ما نیز بتوانیم قطره ای از دریای معرفت آن مظلومه را به ارمغان از این بزرگوار، الگو بگیریم.

۱ - منبع کتاب: بانوان عالمه و آثار آنها، ص ۱، معاونت پژوهش مرکز حوزه های علمیه خاوران
۲ - برگرفته از کتاب خصایص زینبیه، صفحه ۲۲۵، تألیف مرحوم آیت الله سید نور الدین جزائری





آشنایی با شرکت مرکزی دفاتر خدمات زیارتی

استان کرمان (میلاد نور)

شرکت تعاونی مرکزی کارگزاران زیارتی استان کرمان با نام رسمی میلاد نور، با هدف فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم جهت انجام سفرهای زیارتی برای هم استانی‌های گرامی، در سال ۸۲ پروانه فعالیت خود را از اداره کل تعاون استان دریافت نمود. این شرکت تحت نظارت سازمان حج و زیارت در راستای انسجام کانال‌های قانونی برای سفر شهروندان به نقاط مذهبی از جمله عتبات‌عالیات و حج عمره، هماهنگی‌های لازم را با آژانس‌های خدمات مسافرتی فعال در سراسر استان به عمل آورد و اواخر سال ۸۴ با اعزام گروه‌های مختلف زائران به زیارت خانه خدا و نیز اماکن مقدس عتبات‌عالیات، رسماً فعالیت خود را آغاز نمود. هم‌اکنون شرکت میلاد نور با توجه به کیفیت خدمات و جلب اعتماد مردم و دستگاه‌های اجرایی و نظارتی همچون حج و زیارت، توانسته علاوه بر بهبود وضعیت سفرهای زیارتی و جلب زیارت زائران، شبکه گسترده‌ای را در بیشتر نقاط استان به وجود آورد تا علاقمندان به انجام سفرهای زیارتی از مسیر قانونی و مطمئنی نسبت به تحقق برنامه‌های خود اقدام نمایند. همچنین با عملکرد این شرکت بسیاری

از کانال‌های غیرقانونی و افراد واسطه حذف و مشکلات و مسائل حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی کاهش چشمگیری پیدا نموده است.

بخشی خدمات از وظایف و فعالیت‌های شرکت

هدف شرکت میلاد نور بر پایه ایجاد تسهیلات مطلوب تر، تأمین رفاه و آسایش زائران و در کل فراهم آوردن شرایط جهت سفری مطمئن و سرشار از آرامش برای مسافران اماکن دینی و مذهبی خصوصاً در خارج از کشور می‌باشد، که در این راستا به انجام امور زیر اقدام می‌نماید:

۱. انجام امور مربوط به خروج زائران از کشور به عتبات‌عالیات؛
۲. آگاهی بخشیدن به زائران از نحوه سفر و برنامه‌های مورد نظر در قالب برگزاری کلاس‌های توجیهی ویژه زائران؛
۳. فراهم آوردن وسیله نقلیه مناسب با توجه به شکل سفر که به انتخاب زائر انجام می‌گیرد (زمینی، هوایی)؛
۴. انجام برنامه‌های لازم در طول مسیر رفت و برگشت زائران
۵. فراهم نمودن محل اقامت و وسیله ایاب و ذهاب در کشور مقصد
۶. ایجاد هماهنگی‌های لازم جهت انجام برنامه‌های مذهبی و زیارتی زائران؛ در

اماکن مقدسه مراقبت و همراهی؛
۷. زائران در طول مدت سفر توسط مدیران راهنمایی تأیید شده توسط حج و زیارت

لازم به ذکر است کارگزاران شرکت میلاد نور در بسیاری از نقاط استان، اقدام به انجام امور مربوط به سفرهای زیارتی می‌نمایند و همچنین نظارت و بازرسی توسط شرکت به صورت مستمر انجام می‌گیرد تا همواره کیفیت خدمات به شکل مطمئن و مطلوب ادامه داشته باشد.

گزارش مجمع عمومی سالیانه شرکت تعاونی مرکزی

کارگزاران زیارتی استان کرمان

مجمع عمومی سالیانه شرکت با حضور حد اکثری اعضای این شرکت در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه در محل سالن اجتماعات هتل سحاب فرهنگیان در مشهد مقدس برگزار شد. در حاشیه این جلسه مسعود دهقانی رئیس هیئت مدیره شرکت کارگزاران به خبرنگار ما گفت: حضور قاطعانه و بی‌نظیر اعضای شرکت در جلسه مجمع عمومی، رضایتمندی از نحوه عملکرد هیئت مدیره شرکت را به همراه دارد و این جای بسی خوشحالی است که از تعداد ۵۰ شرکت زیارتی و سیاحتی عضو شرکت ۴۸ شرکت حضور دارند و



با حضور خود و انتخاب مجدد هیئت مدیره حسن نیت خود، دلگرمی هیئت مدیره را در راستای خدمات رسانی به زائران دو چندان کرده است. وی افزود: با تعامل چشمگیر بین هیئت مدیره و سازمان حج و زیارت شرکت توانسته در دوره‌های گذشته خدمات مطلوب و لازم را با کمیت و کیفیت به زائران بدهد که در این موفقیت استفاده راهبردی از راهنمایی‌ها و ارشادات مدیریت محترم سازمان حج و زیارت استان نقش به سزایی داشته است.

مدیر عامل آژانس هوایی جنوب شرق تصریح کرد: سرو سامان دادن وضعیت اعزام زائران به عتبات و عالیات و کوتاه کردن دست تعدادی از دلالان و سودجویان به لطف خداوند و همکاری و پشتکار همکاران از پیامدهای چشمگیر تاسیس و تداوم شرکت محسوب می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: در این راستا دفاتر غیر مجاز که با بی توجهی به حقوق زائران ظلم و اجحاف غیر قابل جبرانی را به هم استانی‌ها روا داشته‌اند در حال حاضر با ناامیدی به سمت و سوی دیگری هدایت شده‌اند و این مهم با همکاری مردم و همکاران در آینده نزدیک به حداقل خواهد رسید و شهروندان و هم استانی‌ها در صورت ملاحظه این گونه موارد مراتب را به سازمان حج و زیارت و یا شرکت اعلام کنند.

دهقانی ادامه داد: شرکت مرکزی کارگزاران زیارتی استان کرمان از سال ۱۳۸۴ فعالیت خود را آغاز کرده است و علاوه بر تهیه و تجهیز ۶۴ هزار و ۵۱۰ نفر زائر به عتبات و عالیات، اعزام ۳۵ هزار زائر به عمره مفرده، آموزش گزینش و مصاحبه تعداد زیادی از مدیران کاروان و ... از دیگر فعالیت‌های شرکت است.

وی در بخش دیگری از بیانات خود افزود: با ایجاد تعامل، همدلی و انسجام بین اعضای هیئت مدیره و سازمان حج و زیارت استان کرمان در سال جاری در ارائه خدمات به زائرین تحول ایجاد خواهد شد و این از افتخارات شرکت در این مدت بوده است.

در ادامه: محمد سلیمان زاده مدیر عامل شرکت گفت: اگر چه در این مسیر به ظاهر درآمدهای مالی وجود دارد ولی باید گفت تمام هم و غم اعضای هیئت مدیره و شرکت ارائه خدمات فرهنگی، معنوی، رفاهی و ... است و علاوه بر موارد یاد شده در سال جاری پرواز به مقصد کرمانشاه یا اهواز به تعداد ۴۰۰ نفر و هفته‌ای دو بار در دست اقدام است. وی افزود: در سال جاری ساماندهی رستوران‌های بین راهی و ایجاد امکانات کمی و کیفی برای رفاه حال زائران با عقد قرارداد با چند تعاونی اتوبوس‌رانی معتبر در دستور کار هیئت مدیره است که با ایجاد یک رقابت سالم و به انضمام برگزاری کلاس‌های آموزش زائران با همکاری سازمان حج و زیارت در شهرستان‌ها نقطه عطفی در نحوه خدمات رسانی است.

سلیمان زاده خاطر نشان کرد: تعامل و همکاری سازمان حج و زیارت استان کرمان مهمترین و مؤثرترین عامل برای ارائه خدمات مطلوب به زائران محسوب می‌شود.



سفارش های مهم مدیر کل امور زیارتی سوریه

مدیر کل محترم امور زیارتی سوریه سازمان حج و زیارت برای زائران محترم سوریه مطالب مهمی را یادآور شده اند که جهت اطلاع زائران گرامی و مدیران محترم راهنما در این شماره به آن پرداخته ایم، امید داریم با رعایت نکات یاد شده بهره بیشتری از این سفر معنوی برده و ما را از دعای خیر خویش فراموش نفرمایید.

۱. فقط به دفاتر خدمات مسافرتی که از طرف سازمان حج و زیارت مجوز دارند و نمونه آن در این سایت موجود است مراجعه نمایند.
۲. اسامی دفاتر خدمات مسافرتی مجاز به تفکیک استان و شهرستان جهت اطلاع هموطنان عزیز اعلام می گردد.
۳. حتماً در هنگام ثبت نام اقدام به عقد قرارداد با دفاتر خدمات مسافرتی بنمایید که در آن نوع خدمات و مبلغ هزینه و مدت سفر و برنامه سفر و برنامه غذایی و محل اسکان و تعداد تخت در هر اتاق و وضعیت بیمه های عمر و حوادث و خدمات هیأت پزشکی مشخص و معلوم باشد. (نمونه قرارداد در سایت موجود است)
۴. از مراجعه و ثبت نام کسانی که فاقد دفتر و مجوز از مراجع رسمی کشور هستند، جداً خودداری نمایند.
۵. اطلاعات مربوط به مقررات سوریه - اماکن زیارتی و تاریخی - تبدیل پول در سوریه، وضعیت ارتباط تلفنی ثابت و همراه و لوازم مورد نیاز و داروهای ضروری را قبل از سفر سؤال بفرمایید.
۶. هر ارزانی بی دلیل نیست و اغلب کسانی که به طور غیر مجاز ثبت نام می کنند، و معمولاً ارزان تر از دفاتر مجاز، خصوصاً در سفرهای زمینی اخذ می کنند قطعاً خدمات مناسبی ارائه نمی دهند و رعایت مسائل بهداشتی را نمی کنند و لذا مورد تأیید سازمان نیستند. برای حفظ سلامتی خود و همراهان از مراجعه به این قبیل افراد خودداری فرمایید.
۷. سوریه یک کشور توریستی است با جاذبه های مختلف زیارتی، سیاحتی، گردشگری در کنار دریای مدیترانه که همه ساله تعداد زیادی جهانگرد از کشورهای مختلف به سوریه سفر می کنند لذا ضمن وجود دو قطعه مکان بهشتی یعنی حرمین شریفین حضرت زینب کبری (س) و حضرت رقیه (س) مکان های بسیار زیاد دیگری که محل لهو و لعب می باشد وجود دارد که برخی از افراد سعی می کنند به هر نحوی از انحاء خصوصاً جوان ها را اغفال و به بهانه خوشگذرانی به این محل های شیطانی کشانده و وجوه نقد و موبایل و وسایل قیمتی آنها را سرقت نمایند. لذا به هیچ وجه بدون مشورت با مدیر کاروان یا مدیر ثابت به مکان های نامعلوم تردد ننمایید.
۸. برای رعایت بهداشت، خود بازرس کاروان خود باشید تا سلامتی همه تضمین شود. تمامی کاروان ها موظفند که نسبت به تعویض ملافه هر دو روز یکبار و نظافت هر روز اتاقها اقدام کنند.
۹. هیچ کاروانی حق ندارد از ظروف ملامینی و شکسته و لب پر استفاده کند، زیرا باعث انتقال بیماری های مختلف می شود.
۱۰. همه کارکنان و آشپزها برای رعایت بهداشت موظف هستند که از کلاه و دستکش یکبار مصرف و ماسک استفاده کنند که در حین کار باعث انتقال بیماری به زائرین نشوند.
۱۱. همه کارکنان و آشپزها می بایست کارت گواهی سلامت و بهداشت که عکس دار و جدید باشد را داشته باشند و در محلی که قابل رؤیت برای زائرین باشد، نصب نمایند.

۱۲. در طول مسیرهای زمینی هیچ کس حق ندارد در کنار پارک ها، محل های عبوری و... اطراق و نسبت به تغذیه زائرین اقدام نماید. حتماً می بایست در رستوران های مناسب بین راهی که قبلاً شناسایی شده و رعایت بهداشت و سلامتی می شود، زائرین را تغذیه نمایند.
۱۳. از خوردن و آشامیدن آب و مواد غذایی خارج از هتل خصوصاً دست فروش ها جداً خودداری نمایید. مگر اینکه آب بطری پلمپ شده باشد.
۱۴. پول و اشیای قیمتی خود را به صندوق امانات هتل بسپارید و رسید دریافت کنید.
۱۵. هنگام خروج از هتل حتماً کارت هتل و کارت شناسایی خود را همراه داشته باشید.
۱۶. از همراه داشتن طلا و زیور آلات، چک پول، شناسنامه، کارت ملی، دفترچه بیمه، اوراق بهادار و نظایر آن در این سفر خودداری فرمایید.
۱۷. حداقل ۴ ساعت قبل از پرواز در محل فرودگاه و ۲ ساعت قبل از حرکت اتوبوس (در سفرهای زمینی) در محل مد نظر کاروان حضور داشته باشید.
۱۸. بدون اطلاع و هماهنگی مدیر راهنما از مجموعه کاروان جدا نشوید.
۱۹. حداکثر بار مجاز هر زائر ۲۵ کیلوگرم می باشد بیش از آن شامل پرداخت وجه اضافه بار می شود.
۲۰. حمل، نگهداری و مصرف مواد مخدر در سوریه مجازات سنگینی در پی خواهد داشت.
۲۱. در هنگام تبدیل ارزها دقت کافی را بنمایید و از صرافی های معتبر پول مورد نیاز خود را تهیه نمایید.
۲۲. آب های لوله کشی شهر دمشق غیر بهداشتی و غیر قابل شرب می باشد، خصوصاً در منطقه زینبیه دمشق.
۲۳. از همراه داشتن وسایل تیز و برنده و وسایل اسباب بازی های جنگی در ساک دستی همراه خود در سفرهای هوایی خودداری و آن را به قسمت بار تحویل دهید.
۲۴. ساعات استفاده از سالن غذا خوری را رعایت نمایید.
۲۵. رعایت حال همسفران خصوصاً افراد پیر و سالخورده را بنمایید.
۲۶. در هنگام خروج از هتل کلید اتاق را تحویل قسمت استقبال هتل دهید.
۲۷. تهیه ارز مورد نیاز به عهده زائر بوده و کارگزار هیچگونه مسئولیتی در این قبال نخواهد داشت.
۲۸. هزینه های تلفن در ایران و سوریه، اضافه بار و ایاب و ذهاب خارج از برنامه به عهده خود زائرین می باشد.
۲۹. درجه بندی هتل های سوریه بر اساس استانداردهای بین المللی نمی باشد و با توجه به شرایط سوریه درجه بندی گردیده است.
۳۰. شماره تلفن های ضروری خود و یکی از بستگان نزدیک خود که در صورت لزوم در دسترس می باشند را در اختیار کارگزار قرار دهید.
۳۱. در صورت داشتن سابقه بیماری با پزشک خود مشورت و داروهای لازم را به اندازه طول سفر همراه داشته باشید.
۳۲. ول رایج سوریه لیر سوری است که هر لیر معادل بیست و دو تومان می باشد لذا توصیه می شود در انجام مخارج این نکته را در نظر داشته باشید.
۳۳. طبق قانون کشور سوریه هر زائر در هنگام خروج از سوریه باید مبلغ ۱۵۰۰ لیر سوری یعنی معادل حدود سی و پنج هزار تومان پرداخت نماید که این هزینه بعده زائرین محترم است لذا توجه داشته باشید که از ابتدای سفر این مبلغ را برای خروج هر نفر کنار بگذارید.
۳۴. در صورت بروز هرگونه مشکل در سوریه به دفتر نمایندگی سازمان واقع در میدان



مرجع دمشق و در ایران وسیله نامه به مدیریت حج و زیارت استان مربوطه منعکس فرمایید.

۳۵. طبق دستور سازمان همه کاروانها موظف هستند زائرین خود را نزد یکی از شرکتهای بیمه معتبر کشور بیمه عمر و حوادث نمایند و همچنین باید سرانه هزینه خدمات پزشکی در سوریه که برای رفاه حال زائرین پیش بینی شده پرداخت نمایند. البته هزینه موارد فوق بعهد زائرین است.

۳۶. کلیه زائران عزیز باید به موارد فوق نظارت کافی داشته باشند تا دچار مشکل و یا بیماری نشوند.

۳۷. برای استفاده در مواقع ضروری لازم است هر نفر حداقل سه قطعه عکس همراه داشته باشد.

۳۸. نمونه قرارداد بیمه عمر و حوادث زائرین جهت اطلاع در سایت موجود است.

برنامه ملاقات عمومی مدیران ارشد سازمان حج و زیارت اعلام شد

ملاقات عمومی مدیران ارشد سازمان حج و زیارت طبق برنامه قبلی ادامه دارد و علاقه مندان می توانند در روزهای معین به دیدار بی واسطه و مستقیم با آنها بپردازند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حج ، بر طبق برنامه ، ملاقات مستقیم معاون وزیر و رییس سازمان حج و زیارت هر هفته روزهای سه شنبه از ساعت ۱۴ تا ۱۷ انجام می گیرد و کلیه همکاران او و نیز زائران و مدیران کاروانها و تمامی افرادی که به نحوی با سازمان حج و زیارت در ارتباط کاری هستند و یا حتی نظر و طرحی برای بهبود امور این سازمان دارند می توانند با وی دیدار داشته باشند.

برای سهولت امور و تنظیم فرصت ، ملاقات کنندگان مناسب است قبلا با تلفن ۶۴۵۱۲۵۱۰ تماس داشته باشند. علاوه بر دیدار حضوری ، افراد می توانند مطالب و نقطه های خود را برای اطلاع ریاست سازمان حج و زیارت به پست الکترونیکی chairman@haj.ir ارسال نمایند. ملاقات عمومی معاون حج و عمره سازمان حج و زیارت نیز طبق برنامه روزهای سه شنبه هر هفته صورت خواهد گرفت . ساعت این ملاقات ۱۴ تا ۱۶ روزهای سه شنبه تعیین شده است . برای تماس با وی نیز پست الکترونیکی vicechairman@haj.ir اختصاص یافته است.

بنابر خبر ، معاون پشتیبانی و اداری مالی سازمان حج و زیارت نیز روزهای زوج هفته از ساعت ۱۴ تا ۱۶ ملاقات عمومی دارد و دیدار عمومی مسئول اداره کل بازرسی ،

ارزیابی عملکرد و امور کارگزاران سازمان نیز روزهای دوشنبه از ساعت ۸ تا ۱۲ صورت می گیرد و ملاقات عمومی مدیران حج و زیارت استان ها هم از طریق دفاتر آنها هماهنگ می شود. علاقه مندان همچنین می توانند یادداشت های شخصی خود را برای مدیریت پایگاه اطلاع رسانی سازمان حج و زیارت به آدرس پست الکترونیکی info@haj.ir ارسال نمایند.

هیات پنج نفره کمیسیون فرهنگی مامور رسیدگی به مشکلات زائران عتبات شد

به گزارش ایرنا این هیات در پی برگزاری نشست مشترک میان اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس، مسئولین سازمان حج و زیارت، وزارت کشور و نیروی انتظامی، تشکیل و مامور سفر به عراق برای ارزیابی و ارائه گزارش به کمیسیون فرهنگی مجلس شد.

حجت الاسلام والمسلمین «حسن ملک محمدی» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در این زمینه به خبرنگار اجتماعی ایرنا، گفت: این هیات در اولین فرصت به عراق اعزام می شوند و مشکلات زائران ایرانی را از منظر مختلف مورد بررسی قرار می دهند و در بازگشت گزارش جامعی در این خصوص برای تصمیم گیری به مسئولین ارائه خواهد شد. نماینده مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: در صورت تداوم مشکلات گزارش شده در عراق، احتمال جلوگیری از عزیمت زائران ایرانی برای مدتی به عتبات عالیات وجود دارد. ملک محمدی با اشاره به نشست مشترک اعضای کمیسیون فرهنگی، مسئولین حج و زیارت و وزارت کشور، تصریح کرد: تلاش داریم با وجود اشتیاق فراوان میان زائران برای سفر به عتبات عالیات، تشرف به این اماکن سازماندهی شود و اعزام آنها متناسب با عزت اسلامی و جایگاه و منزلت رفیع ملت شریف ایران صورت گیرد.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با تقبیح برخورد نیروهای انگلیسی و برخی مامورهای عراقی در تفتیش زائران و ااثاثیه آنها در فرودگاه نجف، گفت: بررسی مشکلات به وجود آمده در سفر هوایی زائران به عراق و نحوه برخورد طرف عراقی با مسافران ایرانی در دستور کار جدی هیات پنج نفره قرار دارد . به گفته وی سفر هوایی به عتبات نیز در صورت تامین خواسته های ایران برقرار خواهد شد.

هیأت گردشگری عراق علت کاهش زائران ایرانی را با وزارت خارجه کشورش بررسی کرد.

وی اضافه کرده است که کاروان های زیارتی بعد از اخذ جواز از سه نهاد قانونی شامل هیات عالی گردشگری و دو وزارتخانه کشور و خارجه، حق ورود به خاک عراق را دارند. جبوری تاکید کرده است که باید تسهیلات لازم را برای ورود زائران ایرانی فراهم کرد و نسبت به رفع مشکلات در این زمینه اقدام شود. زیرا گردشگری دینی از منابع مهم درآمدی عراق است

بغداد- هیات عالی گردشگری عراق وابسته به وزارت گردشگری این کشور علت کاهش محسوس زائران ایرانی عتبات عالیات را با وزارت خارجه کشور متبوعش بررسی کرد. خبرگزاری عراق (واع) به نقل از خبرنگار خود نوشته است که تعداد زائران ایرانی عتبات عالیات به دلیل اقدام وزارت خارجه عراق در تعلیق صدور روادید برای آنها ، به طور چشمگیری کاهش یافته است.

این منبع خبری به نقل از «تجاح محمد الجبوری» مدیر گروه سیاحتی در هیات عالی گردشگری عراق آورده است که وزارت خارجه عراق اخیرا از صدور روادید برای ۹ شرکت اصلی انتقال زائران در ایران خودداری کرده، امری که باعث کاهش چشمگیر زائران ایرانی عتبات عالیات شده است.

نماینده مجلس: برای رفع مشکلات زائران ایرانی در عراق تلاش می کنیم.

یاسوج - نماینده مردم شهرستان های بویراحمد و دنا در مجلس شورای اسلامی گفت: نمایندگان مجلس برای رفع مسائل و مشکلات زائران ایرانی عتبات عالیات عراق از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند.

دکتر ستار هدایت خواه در گفت و گو با ایرنا افزود: کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی برای بررسی هر چه بیشتر مشکلات زائران عتبات عالیات در عراق اقدام به تشکیل هیات پنج نفره کرده است. وی بیان کرد: بر اساس گزارش های رسیده از عتبات عالیات ، زائران ایرانی با معضلات متعددی از قبیل برخورد نامناسب ماموران عراقی در مرز و در شهرهای این کشور و کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی مواجه هستند. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: رفع برخی از مسائل زائران عتبات عالیات نیازمند انجام برخی هماهنگی های لازم در داخل کشور از طریق وزارت امور خارجه است. هدایت خواه اظهار داشت: در صورتی که عراق و مسوولان اجرایی این کشور رفتار خود را در قبال زائران ایرانی اصلاح نکنند، برای مدتی هیچ زائر ایرانی به این کشور اعزام نخواهد شد. وی عنوان کرد: سازمان





های حج و زیارت و وزارت خانه های امور خارجه، راه و ترابری و کشور از جمله نهادهای اجرایی کشور هستند که ضروری است برای رفع معضلات زائران عتبات عالیات تلاش کنند.

اعزام انفرادی زائران به عتبات عالیات از اول مرداد ممنوع می شود

به گزارش خبرنگار اجتماعی ایرنا از دست اندرکاران حوزه زیارتی کشور، برنامه ممنوعیت اعزام انفرادی افراد به عتبات عالیات در عراق در پی مصوبه اخیر وزارت کشور اجرا می شود. بر اساس این مصوبه و به منظور تامین امنیت زائران و استفاده بهینه از امکانات در طول سفر زیارتی از اعزام انفرادی و صدور ویزا جلوگیری می شود. حضور انفرادی زائران در عراق در طول سال های اخیر که غالباً در فرآیندی غیر رسمی صورت می گیرد با مشکلاتی برای هموطنان همراه بوده که در برخی موارد حتی منجر به دستگیری و یا مجروح و مصدوم شدن آنها شده است.

زائران عتبات عالیات که مواد مخدر همراه داشته باشند، دستگیر می شوند

به گزارش خبرنگار ایرنا از سازمان حج و زیارت، نماینده وزارت جهاندردی عراق گفت: طبق مصوبه جلسات مسئولین پایانه عراق مقرر شده که از این پس چنانچه از هر زائری مواد مخدر کشف و ضبط شود دارنده و مدیر کاروان بازداشت و زائران نیز به ایران بازگردانده می شوند.

سازمان حج و زیارت از زائرانی که برای رفع بیماری مواد مصرف می کنند خواست که قبل از انجام سفر خود را برای یک هفته مهیا کنند و برای خود و سایر زائران کاروان ایجاد زحمت نکنند. حمل داروهای خاص و مواد توسط برخی زائران ایرانی در قالب سفرهای عمره و تمتع نیز منجر به دستگیری تعدادی در عربستان شده است. بر اساس قوانین عربستان حمل و نگهداری مواد مخدر و یا داروهایی که در تعاریف مخدر می گنجد، جرم و با محکومیت های شدیدی همراه است. بیش از ۱۰۰ زائر ایرانی هم اکنون در زندان های عربستان به دلیل حمل و یا نگهداری داروهای خاص و مخدر به سر می برند. حادثه دیدگان وقایع تروریستی عراق، تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار می گیرند با توجه به متن فرمان مقام معظم رهبری و ایفاد نامه نماینده محترم ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی، مبنی بر تحت پوشش قرار دادن آن دسته از زائران عتبات عالیات

که بر اثر بمب گذاری عناصر تندرو و وابسته به بیگانه در عراق، دچار حادثه می شوند؛ حسین دهقان، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، با استناد به بند ۱۵ ماده ۲ آیین نامه مصادیق عملی شهید و خانواده های شاهد، به رؤسای بنیاد شهید و امور ایثارگران استان ها دستور داد که در اسرع وقت، برای رسیدگی به امور این شهدا و جانبازان، اقدام نمایند.

برای تکمیل و ارسال مدارک شهدا، تهیه موارد زیر الزامی است:

۱. گواهی شهادت از سوی سازمان حج و زیارت استان محل سکونت
۲. مدارک مثبتیه وقوع حادثه
۳. فرم تحقیق سه برگی
۴. جواز دفن
۵. تصویر صفحه اول شناسنامه
۶. تصویر خوانای کارت ملی

در ضمن برای جانبازان عزیز، برابر دستورالعمل ابلاغی ۴۰۰/۳۹۵۹۸ مورخ ۱۳۸۴/۹/۱۲، پرونده تشکیل خواهد شد.

دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی امور زائران (مستقر در وزارت کشور) اعلام کرد: تردد زائران دارای روادید انفرادی به عتبات عالیات از اول مرداد ممنوع می شود.

به گزارش واحد مرکزی خبر، در اطلاعیه این ستاد آمده است: به اطلاع هموطنان گرامی که به منظور زیارت عتبات عالیات عازم کشور عراق هستند؛ می رساند با توجه به تصمیمات اتخاذ شده در ستاد عالی هماهنگی امور زائران و به منظور ایجاد وحدت رویه و رفع مشکلات موجود، از اول مرداد تردد زائران با روادید انفرادی و خارج از کاروان های مجاز سازمان حج و زیارت از مرزهای رسمی اعم از هوایی و زمینی کشور ممنوع است و نیروی انتظامی از تردد آن افراد جلوگیری به عمل خواهد آورد. بدیهی است افرادی که بدون رعایت موضوع به مرزهای یاد شده مراجعه کنند، از مبادی مرزی بازگردانده خواهند شد. ۱۵ زائر ایرانی که بر اثر حادثه واژگونی اتوبوس در مسیر مرز خسروی به بغداد زخمی شدند در بیمارستانهای سلیمانیه و خانقین بستری اند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت گفت: این اتوبوس حامل ۴۸ زائر ایرانی از استان مازندران بود که بر اثر ترکیدگی لاستیک واژگون شد. حسین اکبری افزود: در این حادثه ۴۰ نفر از

سرنشینان اتوبوس زخمی شدند که ۱۵ نفر از آنان به بیمارستان منتقل و بقیه نیز به صورت سرپایی درمان شدند و به سفر خود ادامه دادند.

وی اضافه کرد: در صورت لزوم زخمی های حادثه برای ادامه درمان به کشور منتقل خواهند شد.

طوفان های شن در بغداد و نجف سبب شده است زائران عتبات عالیات مدت ها در فرودگاه منتظر بمانند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، سعید حسامی در مراسم افتتاح خط هوایی گرگان کیش افزود: طوفان های شن در بغداد و نجف که مقصدهای پروازی جمهوری اسلامی ایران به عراق است، سبب شده است زائران عتبات عالیات مدت ها در فرودگاه منتظر بمانند. سعید حسامی همچنین از برقراری پروازهای عتبات عالیات خبر داد و گفت: این پروازها به علت توافق نکردن مسئولان سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران و هواپیمایی کشور عراق قطع شده بود که پس از مدت کوتاهی مجدداً برقرار شده است.

دوازده مجروح حادثه واژگونی اتوبوس حامل زائران ایرانی در شمال عراق از طریق مرز باشماق به مراکز درمانی استان کردستان منتقل شدند.

به گزارش واحد مرکزی خبر از بغداد؛ یک نفر از مجروحان این حادثه که در حالت کما به سر می برد، در بیمارستان سلیمانیه تحت مداوا قرار دارد.

این اتوبوس حامل ۴۴ زائر ایرانی در نزدیکی شهر خانقین واقع در یکصد و هفتاد کیلومتری شمال شرق بغداد بر اثر ترکیدن لاستیک دچار حادثه شد.

این زائران به صورت شخصی (خارج از پوشش سازمان حج و زیارت) از استان مازندران به عراق سفر کرده بودند که پس از زیارت عتبات عالیات، در مسیر بازگشت به ایران دچار سانحه شدند.

مسافری سرپرست سرکنسولگری کشورمان در سلیمانیه درگفت گو با خبرنگار واحد مرکزی خبر در بغداد گفت: مجروحان این سانحه با همکاری خوب مسوولان حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی در بیمارستان شهرهای سلیمانیه و کلاز تحت درمان قرار گرفتند و دوازده نفر از آنان امروز با هماهنگی مسوولان استان کردستان ایران، برای ادامه درمان به کشور منتقل شدند.

مسافری افزود: ۳۱ زائر دیگر که در بیمارستان شهر کلاز به صورت سرپایی مداوا شدند فردا از طریق مرز





خسروی به ایران منتقل خواهند شد.

از محل نذورات مردم استان مرکزی صورت گرفت:

ارسال ۱۲ تخته فرش از استان مرکزی به عتبات عالیات

رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات استان مرکزی از ارسال ۱۲ تخته فرش نفیس به همراه یک دستگاه قالیشویی از این استان به کربلای معلا خبر داد.

محمدحسن آصفری در گفت و گو با خبرنگار «شبکه خبر دانشجو» در اراک، گفت: ارزش دستگاه قالیشویی ۱۵۰ میلیون ریال و ارزش تخته فرشها نیز ۶۰ میلیون ریال است که از محل نذورات مردمی استان مرکزی خریداری شده است.

وی با بیان این که این نذورات در قالب یک کاروان از شهرستان خمین وارد اراک شده، تصریح کرد: این کاروان با توقف در شهرهای استان سه شنبه ۲۳ تیر ماه جاری عازم کربلای معلا می شود.

آصفری با اشاره به اقدامات این ستاد در عراق گفت: این ستاد هم اکنون پروژه عظیم ساخت دارالشفای امام سجاد(ع) را در کربلا در دست اقدام دارد که اعتبارات ساخت آن از محل نذورات مردمی تأمین می شود.

رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات استان مرکزی از برگزاری گردهمایی خیران استان مرکزی خبرداد و افزود: این گردهمایی شهریور ماه جاری با هدف شناسایی افراد خیر و نیکوکار استان مرکزی به منظور کمک در بازسازی عتبات عالیات برگزار می شود.

وی گفت: در حال حاضر این ستاد در شهرهای اراک، شازند، محلات و مهاجران شعبه دارد.

رئیس سازمان هواپیمایی برکنار شد خبرگزاری فارس: کاپیتان حسین خانلری از سمت ریاست سازمان هواپیمایی کشوری عزل شد.

طی حکمی از سوی حمید بهبهانی وزیر راه و ترابری، امروز «علی ایلخانی» به عنوان سرپرست سازمان هواپیمایی کشوری منصوب شد. این گزارش حاکی است قبل از این، کاپیتان حسین خانلری ریاست سازمان هواپیمایی کشوری را بر عهده داشت. به گزارش فارس پیش از این در اخبار رسانه ها، از علی ایلخانی به عنوان مشاور امنیتی سازمان هواپیمایی کشوری یاد می شد. بر اساس این گزارش مراسم تودیع کاپیتان

خانلری و معارفه علی ایلخانی، سه شنبه ۲۳/۴/۸۸ در محل سازمان هواپیمایی کشوری برگزار خواهد شد. این گزارش حاکی است رضا جعفرزاده سخنگوی سازمان هواپیمایی کشور در گفت و گو با خبرنگار فارس، تغییر مدیریت در این سازمان را تأیید کرد.

اعزام چهارمین کاروان زیارتی مددجویان به عتبات عالیات

به گزارش باشگاه خبری فارس «توانا» ۳۶ نفر از مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام(ره) استان همدان در قالب چهارمین مرحله از اعزام کاروان ابرار برای زیارت عتبات عالیات به کشور عراق اعزام شدند.

کاروان مذکور را ۳ نفر از امدادگران، یک نفر مدیر کاروان و یک نفر روحانی همراهی می کنند. مددجویان اعزامی در طول ۷ روز اقامت در عراق به کربلای معلا و نجف اشرف مشرف خواهند شد. مددجویان اعزامی از بین خانواده های سادات که در زمینه های خودکفائی و فرهنگی حائز رتبه برتر استانی در بین مددجویان بوده اند، انتخاب شده اند. کمیته امداد امام(ره) استان همدان برای اعزام این مرحله از مددجویان به عتبات عالیات بیش از ۱۳۰ میلیون ریال اعتبار پیش بینی کرده است.

برای جلوگیری از اعزام غیر قانونی به عتبات پیشنهاد شد

مهر حج و زیارت و گردشگری به لیست مسافران اضافه شود

در جلسه کارگروه میراث فرهنگی و گردشگری مازندران پیشنهاد شد تا برای جلوگیری از اعزام غیرقانونی به عتبات عالیات، مهر حج و زیارت و گردشگری به لیست مسافران که پایانه صادر می کند، اضافه شود.

به گزارش خبرگزاری فارس از شهرستان ساری، یکی از مباحثی که در جلسه کارگروه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران مطرح شد، موضوع سفرهای گروهی غیرمجاز به عتبات عالیات و بعضاً سوریه بوده است که پس از بحث و بررسی موضوع مورد اشاره مقرر شد در صورت بررسی و تأیید این موضوع در سطوح ملی، مهر سازمان حج و زیارت و گردشگری به لیست مسافران که پایانه صادر می کند، اضافه شود. مدیر حج و زیارت استان مازندران در این جلسه با اشاره به این که تأکید مقام معظم رهبری به متولی گری سازمان حج و زیارت به امور مربوط به سفرهای زیارتی است، گفت: حتی افرادی خارج از سازمان گردشگری و

حج و زیارت اقدام به ثبت نام و اعزام مسافران می کنند که این کارها غیرقانونی است.

حبیب الله ساداتی تصریح کرد: گزارش هایی هم در مرز خسروی داریم که افراد به صورت تک فروشی اقدام به مسافرت می کنند.

وی درباره یک حادثه رانندگی توسط این افراد که از قائمشهر به سمت عتبات سفر کردند، تصریح کرد: در سه روز اخیر اتوبوسی از قائمشهر به سمت بغداد حرکت کرد که در شهر بغداد دچار سانحه رانندگی شدند و مهم تر این که افراد زیرپوشش این تور غیر قانونی برای گزارش سفر غیر قانونی به سازمان متولی مراجعه نکردند.

با وجود مشاهده مواردی از بیماری آنفلوآنزای خوکی در عراق

اکبری: دلیلی برای لغو سفر به عتبات عالیات وجود ندارد

حسین اکبری در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی فارس درباره شیوع بیماری آنفلوآنزای جدید(خوکی) در عراق گفت: چندین مورد از این بیماری در عراق نیز مشاهده شده است. رئیس عتبات عالیات سازمان حج و زیارت ادامه داد: البته آمار دقیق نیست و بنده نیز به صورت غیر رسمی این آمار را شنیده ام.

اکبری در پاسخ به این پرسش که احتمال لغو سفر زائران به عتبات عالیات با توجه به شیوع آنفلوآنزای جدید(خوکی) وجود دارد؟ گفت: در این باره باید مقامات ذیصلاح تصمیم گرفته و به ما ابلاغ کنند.

رئیس عتبات عالیات سازمان حج و زیارت اظهار داشت: هنوز موردی بر لغو سفر زائران ایرانی به عتبات عالیات به ما ابلاغ نشده و همچنان سفرها ادامه دارد.

معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت کشور گفت: حدود یک ششم پروازهای زائران ایرانی به عتبات عالیات به دلیل عدم صدور مجوز از سوی عراق لغو شده است.

حسین اکبری در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی فارس با اشاره به این که از مجموع ۳۱۴ پرواز که باید از ایران به سمت عراق انجام می شد، ۶۱ پرواز به دلیل عدم صدور مجوز لغو شد، گفت: همچنین ۱۲ پرواز نیز به دلیل بدی آب و هوا لغو شده است. وی درباره لغو سفر هوایی زائران ایرانی به عتبات عالیات گفت: برای آغاز مجدد پروازهای هوایی باید سازمان هواپیمایی کشور دو شاخص را به ما اعلام کند. آن





حیدری با اشاره به این که در صورتی که برخی از زائران به درمان‌های بیشتری احتیاج داشته باشند آنان را به بیمارستان‌های سوریه منتقل می‌کنیم، تصریح کرد: مرکز پزشکی عتبات عالیات به وسیله پزشکان ایرانی که مسلط به زبان عربی هستند و در بیمارستان‌های سوریه حضور دارند، به زائران ایرانی در جهت معالجات بیشترشان یاری می‌دهند. وی خاطرنشان کرد: برای سهولت در انتقال زائران به بیمارستان‌های سوریه مرکز پزشکی عتبات عالیات در نظر دارد آمبولانسی را خریداری کند.

نماینده شرکت شمس در نجف گفت: روزانه ۷۵ کاروان از طریق سازمان حج و زیارت به عراق اعزام می‌شوند و همین تعداد نیز کاروان زائران انفرادی به عراق اعزام می‌شوند که حضور آنان برای زائران سازمان حج و زیارت مشکل‌آفرین است.

حمید سپیددشتی، نماینده شمس (شرکت مرکزی دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران) در نجف در گفت‌وگو با خبرنگار اعزامی فارس به عتبات عالیات گفت: شهر نجف را به ۶ منطقه تقسیم کرده‌ایم و برای هر منطقه یک ناظر معین کرده تا بر روی اقدامات انجام شده نظارت کنند. به گفته سپید دشتی، هریک از این مدیران و ناظران ۱۵ تا ۲۰ هتل را تحت نظارت خود دارند.

وی گفت: با تعدادی شرکت عراقی قرارداد بسته و آنها تعیین می‌کنند که کاروان‌ها به کدام هتل بروند و محل اقامت و اتوبوس زائران را نیز آنها مشخص می‌کنند. اگر هتل کاروانی در کربلا نزدیک حرم باشد، در نجف دور از حرم قرار می‌گیرد و در این زمینه برنامه‌ریزی لازم را انجام داده‌ایم.

وی درباره پروازهای هوایی به عتبات عالیات گفت: گروهی از زائران به دلیل ناتوانی جسمی نمی‌توانند زمینی به عراق سفر کنند و عده‌ای دیگر تمایل ندارند که این مسیر را زمینی بروند، اما با توجه به وضعیت پروازها در جلسه‌های توجیهی به زائران درباره لغو سفرها و معطلی در فرودگاه مواردی را عنوان می‌کنیم.

به گفته سپید دشتی، بسیاری از افراد توقع دارند وقتی پروازهای عراق برقرار شده است یعنی شرایط سفر همانند عربستان است، درحالی که سفر هوایی هیچ تفاوتی با سفر زمینی عراق ندارد و تفاوت هزینه در مبلغ بلیت پرواز و یک شب اقامت در کاظمین است و دیگر هزینه‌ها با سفر زمینی فرقی نمی‌کند.

نماینده شمس در نجف با اشاره به این که فرودگاه بغداد با توجه به شرایط امنیتی موجود از ۱۲ شب تا ۵ صبح تعطیل است، گفت: بنابراین وقتی پروازها لغو می‌شوند، زائران باید این فرودگاه را ترک کنند تا مسئولان پیگیر انجام پرواز در صبح باشند اما گاهی زائران اصرار می‌کنند، در فرودگاه بمانند.

وی یادآور شد: روزانه ۷۵ کاروان از طریق سازمان حج و زیارت به عراق اعزام می‌شوند و همین تعداد نیز کاروان زائران انفرادی به عراق اعزام می‌شوند.

سپید دشتی گفت: با اعزام زائران انفرادی به عراق هتل‌های خوب از اختیار سازمان حج و زیارت خارج شده‌اند، چرا که زائران ایرانی پول بیشتری به هتل‌ها می‌دهند و آنها ترجیح می‌دهند، هتل‌ها را در اختیار آنها قرار دهند. نماینده شمس در نجف در بخش دیگر سخنان با اشاره به این که ایران ۳ درمانگاه و یک آمبولانس در نجف دارد، گفت: یک آمبولانس در صورت وقوع حوادث کفایت نمی‌کند؛ به همین علت با مسئولان شهر نجف برای دریافت خدمات بهداشتی و دسترسی به آمبولانس هماهنگ هستیم.

دو شاخص عبارتند از دریافت مجوز یک ماهه از عراق و تعیین میزان ظرفیت دقیق جهت اعزام زائر. اگر سازمان هواپیمایی مجوز پرواز یک ماهه را از عراق دریافت و همچنین میزان دقیق ظرفیت اعزام را نیز مشخص کنند، از روز بعد آن پروازها را آغاز می‌کنیم.

وی ادامه داد: سازمان هواپیمایی کشور باید برای پرواز زائران از مسئولان عراقی حداقل مجوز یک ماهه دریافت کند تا پروازهای زائران لغو نشود. وی با اشاره به اینکه برای لغو پرواز زائران ایرانی به عتبات عالیات تدابیری صورت گرفته بود، گفت: از زائران تعهد گرفته بودیم که در صورت لغو پروازها آنها را زمینی به عتبات عالیات اعزام خواهیم کرد.

معاون عتبات عالیات در گفت‌وگو با فارس:

اعزام زائران عتبات عالیات به کاظمین و سامرا دوباره آغاز شد و از این پس تقریباً تمام زائران ایرانی عتبات عالیات به کاظمین نیز اعزام می‌شوند و حدود ۵۰ درصد آنان به سامرا هم می‌روند

حسین اکبری در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی فارس افزود: به دلیل انفجارهای اخیر، برنامه کاظمین و سامراء از برنامه زیارتی زائران ایرانی حذف شده بود. ولی دوباره این برنامه را در دستور کار قرار داده‌ایم و از این پس تقریباً تمام زائران را به کاظمین و نیمی از زائران را به سامرا هم اعزام می‌کنیم. وی با اشاره به این که از روز یکم تیرماه، پیش ثبت‌نام برای اعزام جدید زائران به عتبات عالیات شروع شده بود، گفت: به افرادی که در دور قبل ثبت‌نام کرده و در قرعه کشی نام آنها در نیامده بود، اشاره کرد و گفت: به آنها اعلام کرده‌ایم نیاز به ثبت‌نام مجدد ندارند و اسم آنها را در لیست قرعه کشی این بار شرکت خواهیم داد. لیست و اسم این افراد و ترتیب گروهی آنها موجود است و در این دوره از قرعه‌کشی آنها را شرکت می‌دهیم. ظرفیت اعزام به عتبات روزانه ۳ هزار نفر است و در ثبت‌نام‌های جدید سفر هوایی وجود ندارد. معاون عتبات عالیات سازمان حج و زیارت کشور اظهار داشت: اعزام‌های جدید از ۴ مرداد تا آخر شهریور انجام می‌شود.

معاون مرکز عتبات عالیات جمعیت هلال احمر: هیچ موردی از آنفلوآنزای خوک بین زائران سوریه مشاهده نشده است

علی حیدری در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی باشگاه خبری فارس «توانا» گفت: مراکز درمانی عتبات عالیات هلال احمر سوریه آمادگی کامل دارند که در صورت مشاهده هرگونه علائم بیماری آنفلوآنزای خوک، اقدامات لازم را انجام دهند، افزود: سازمان بهداشت جهانی برای نخستین بار در دنیا جهت بیماری آنفلوآنزای خوک همه‌گیری عمومی اعلام کرده است. حیدری خاطرنشان کرد: مراکز عتبات عالیات جمعیت هلال احمر ایران در سوریه در زمینه آموزش و آگاهی رسانی به کادر درمانی و زائران، اقدامات پیش گیرانه خود را آغاز کرده است.

معاون عتبات عالیات جمعیت هلال احمر از درمان رایگان ۴ هزار زائر عتبات عالیات سوریه توسط این جمعیت در خرداد گذشته خبر داد.

علی حیدری با اشاره به این که مرکز پزشکی عتبات عالیات هلال احمر در شهرهای دمشق و زینبیه درمانگاه‌هایی را برای زائران ایرانی احداث کرده است، گفت: شهرهای دمشق و زینبیه در حال حاضر هر کدام با یک درمانگاه زائران ایرانی را پوشش درمانی می‌دهند. وی با بیان این که مرکز پزشکی عتبات عالیات هلال احمر در آینده‌ای نزدیک برای دمشق و زینبیه قصد دارد آزمایشگاه مجهزی را احداث کند، افزود: درمانگاه‌های شهرهای دمشق و زینبیه به صورت شبانه‌روزی خدمات خود را به زائران ایرانی ارائه می‌کنند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)
أَجْمَلُوا نِيَّ طَلِبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كَلَامَ تَسْتَرْفَعُ خَلْقِي لَهُ

در طلب دنیا معتدل باشید و چیزی نزنید زیرا به هر کس هر چه قسمت آوست می رسد.

«کتاب التجارب» ج ۲ ص ۲۷۳

الاصحاب الاعمال

